

# قصه‌های سرزمین



نخستین کتابخانه دیجیتال

شماره پنجاه و سوم و پنجاه و چهارم

# هنرمردم

## از اشارات وزارت فرهنگ و هنر

اسفندماه ۱۳۵۵ و فروردین ۱۳۴۶  
 دوره جدید - شماره پنجاه و سوم و بیست و چهارم

در این شماره :

- ۲ . . . . . چهارشنبه سوری
- ۷ . . . . . نظری بتاریخ بنساختنسانی کاشان و بنای مشهور تاریخی مسجد سلیمان . . . . .
- ۱۵ . . . . . تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران . . . . .
- ۲۱ . . . . . فرهنگ و دانستیهای علمی و عملی برای نگاهداری و ترمیم آثار هنری . . . . .
- ۲۶ . . . . . پیکتهای نوروز . . . . .
- ۳۱ . . . . . حاج میرزا احمد نجفی زنجانی . . . . .
- ۳۶ . . . . . اهمیت نقش موزهها در اجتماع . . . . .
- ۴۳ . . . . . رامبران و آسیا . . . . .
- ۴۷ . . . . . یکی از آثار دوران تیموری . . . . .
- ۴۹ . . . . . آشنایی با مجموعه‌های هنری . . . . .
- ۵۳ . . . . . عکاسی . . . . .

مدیر : دکتر ا. خدایندو  
 سردبیر : عنایت‌الله خجسته  
 طرح و تنظیم ارساق بربرانی

نشریه اداره کل روابط فرهنگی

نشانی : خیابان حقوقی شماره ۱۸۳ تلفن ۷۱۰۵۷ و ۷۳۰۷۲



آری از آفرینش‌های مشهور به رضای  
 جهانگیری - قرن نوزدهم هجری

# چهارشنبه سوری

بوته افروزی ، قاشق زنی ، فالگوش نشینی ،  
بخت گشایی و ... در شب آخرین چهارشنبه سال

علی بلوگشایی

بخت گرمین ماه پنجاهارفته در ایران، از اسلام است و شنبه و یکشنبه و دوشنبه و ...  
پایین روزهای هفته. از زمان رواج آن، شنبه وازم است سامی ودرآمده به زبان فارسی  
و در اصل «شنبه»!

منوجهری دامغانی گوید:  
به فال بناک به روز مبارک شنبه  
نیز دیگر و مده روز گارخویش بینه  
در ایران باستان، سال دوازده ماه بود و ماه سی روز. یک سال ۳۶۰ روز داشت و هر سال  
۵ روز و اندکی کمتر از یک سال خورشیدی درست. این پنج روز در پایان سال افزوده می شد  
و اندکی آن می از گذشتن هر یک منویست سال. به صورت یک ماه در آخر دوازده ماه سال.  
یعنی پس از هر منویست سال، یکبار سال سیزده ماه داشت. پنج روزه اندرگاه یا «هرچنگ»  
یا «گاه خوانده می شد» و بعد در فارسی به «بچه نذیده» و در عربی به «خسه مشرفه»  
معروف شد.

هر ماه ایرانی نامی از ایزدان و فرشتگان داشت و هر روز از هر ماه هر نامی ویژه خود.  
فروردین و اردیبهشت و خرداد و اسفند و ... نام ماه بود. هر مزد و بهمن و اردیبهشت و ...  
به ترتیب نام روزها. روزی که نام آن با نام ماهش برابر می افتاد آن روز، روز جشن بود و شادمانی.  
فروردگان، اردیبهشتگان، خردادگان، تیرگان، امردادگان، شهریورگان، مهرگان،  
آبانگان، آذرچن، دیچن، بهمنگان و مردگیران یا مزه گیران جشنهای دوازده گانه سال بود.

از جهت برابر افتادن نام ماه با روز. نوروز، سده، جشن نیلوفر، خرم روز، آبریزگان  
و گاهنبارها و ... هم جشنهای دیگری از گاه شماری کهن بود.  
چند فروردگان - روز فروردین از ماه فروردین - جشن دیگری نیز به همین نام.  
به مدت سه روز از بیست و پنجم اسفند تا پایان پنج روز «انترگ» گرفته می شد. ایرانیان  
در این فروردگان جمع می نو می پوشیدند و آتش می افروختند و به دهنهای مردگان و آتشگاهها  
می رفتند و غذای بزرگ. اهورامزدا، آریایش می کردند و می بیندانشند که در این دهه، فروردهای

- ۱ - آفای «گر محمد قدمه واز» شنبه و از فارسی و به معنای «نیوشه» دانسته است. برای آفای  
بیشتر نگاه شود به مقاله ایشان تحت عنوان «چهارشنبه سوری» در مجله دانشکده ادبیات، شماره ۳، سال ۵.
- ۲ - نام هر یک از روزهای اندرگاه به ترتیب چنین است: «کشته»، «کشته»، «کشته»، «کشته».
- ۳ - نام سی روز ماه ایران به ترتیب چنین است: هرمز، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندماه،  
خرداد، امرداد، دی، بهمن، آذر، آبان، جواد، ماه، تیر، جوش، آبان، بهمن، مهر، سروش، رهن،  
فروردین، بهرام، رام، باد، دی، بهمن، تیر، ارد، اسفند، آسمان، راماد، ماراسفند، امیران.
- ۴ - نوردهمین روز فروردین ماه.

(فروردهای) در گذشتهگان از آسمان به زمین فرود می آیند و به خانه های خود می روند.  
در دوره اسلامی بیشتر جشنهای باستانی ایران فراموش شد و جشنهای دیگر جای آنها را  
گرفت. جشنهایی هر که از دوره باستان بازماند، با گرویدن ایرانیان به دین اسلام و دیگر کونی  
ذوق و اندیشه ایشان. آئین آناهکامیش رنگ بر کرداند و دیگر گونهایی یافت و آئینهای  
غزایرانی آمیخت و به صورتی دیگر و گاه زیر نامهایی دیگر آشکار شد.  
یکی از این گونه جشنها، جشنی است که در شب چهارشنبه آخر سال، پیش از فرارسیدن  
نوروز و بهار، با مراسمی خاص برگزار می شود و به نام «شب چهارشنبه سوری» معروف است.  
واژه «سور» و «سوری» در ادبیات فارسی بمعنای «مهمانی» و «جشن» و رنگ «سرخ»  
و ... و بکاررفته است. نام خیر و می گوید:

در سور جهان قدم و لیکن  
رسن سور زمن سی بشر رفت  
گرتو سوی سور می روی رو  
س لآخر بازگشتم از سور  
اسکندر و اردشیر و شاپور  
روزت خوش باد و سعی مشکور

معنوی بعد می گوید:  
وقت گل سوری خیز ای نگار  
بر گل سوری می سوری یار  
«سور» در شعر نام خیر و مهمانی و «سوری» در شعر معنوی است، سرخ معنی می دهد.  
در گویش امروزی تهران «سور» به معنای «جشن» و «مهمانی» بکار می رود. بمعنای  
جشن در «خفته سوران» و به معنای مهمانی در «سور دان». در برخی از گویشهای ایران نیز  
چون کردی، «سور» معنی سرخ می دهد.

پس به اعتباری می توان گفت که چون در شب چهارشنبه آخر سال آئین می افروزند و با  
بوته های آتش زده، تل تیر و تار شب را روشن و سرخ فام می کنند، از این رو آن شب را «سور»  
نامیده اند. یعنی شب چهارشنبه سرخگین و آتشین. با اگر «سور» را به معنی جشن بگیریم یعنی  
چهارشنبه ای که با جشن و شادی همراه است.  
از دورترین زمان برگزاری این جشن و چگونگی آئین و شیوه قدیمی آن آگاهی بسیار  
درستی درست نیست. تنها نوشته کهنی که از این جشن به اشاره نام می برد و پیشینه آن را می نماید،  
کتاب «تاریخ بخارا» است.

این کتاب آنجا که سخن از «خانه های پادشاهان که به بخارا بوده» به میان می آورد،  
اشاره به «شب سوری» می کند و می گوید:

۱ - «تواریخا عقیده دارند که در شبای جمعه مردگان آزادند، و روح هر یک از آنها به خانه های خود  
باز می گردد. از این رو در شبای جمعه چراغ خانه را زودتر از شبای دیگر و پیش از «آفتاب زردی» روشن  
می کنند. همچنین در میان رومیان و کوشانیان پارهای از نقاط مختلف مارگردان جشنی به نام «بیست شب»  
در شب هر روز بیست و نه «پرویزنامه» (چهارمین ماه از گاه شماری ویژه مازندرانها که به نام «فارس قدیم»  
خوانده می شود)، برگزار می شود که بازمانده جشن باستانی «فروردگان» است. از رسمهای معروف شب بیست و نه  
یکی مسه (مس) همان (مس) چینی است که در یک سران «بشکه» آشفته به باغ یا هر مواد سوختنی دیگر شده  
و افروخته اند) و سرسزار بزرگشنگان و بر سر چشمه و سقاخانه و مسجد و کلیه دیگرگاه خانه ها است. دیگر جشن  
شیر برنج یا خوردنهای دیگر و بخش کردن آن در میان مردم برای آرزوی روان مردگان است. از مراسم روز  
بیست و نه، رفتن «بزرگان» و جشن گرفتن و صدای کریم و خیرات و برای آرزوی اموات است. برای اطلاع  
از تقویم مخصوص و جشنهای باستانی مازندرانها نگاه کنید به مقاله ای از این نویسنده زیر عنوان یادداشتی درباره  
«گاه شماری و عهد جشن بزمایزدان» مجله پیام یون شماره ۷ - سال ۱۳۴۵.

۲ - این کتاب را ابویزید محمد بن محمد بن زکریا (۳۴۸ - ۲۷۶) در نتیجه نعت سده چهارم هجری  
قمری به زبان عربی و به نام امیر حمید ابو محمد، نوح بن امیر سامانی (پادشاهی او ۳۵۳ - ۳۷۱) نوشته است.  
کتاب زکریا را با «بار ابویزید احمد قاضی خواجه سنده شده هجری با برداشتن پارهای از مطالب آن و افزودن  
مطالبی دیگر بر آن به فارسی برگرداند و در میان محمد بن یحیی بن عمر این کتاب برگردانده شده در سال ۵۷۱  
کوهان و خرم کرد و به صورت کتابی در آورده که اکنون درست است.

«چون امیررشید (عبدالملک بن نوح بن نعمان احمد بن اساعیل سلمانی) از سوز و خروش و دشت غلامان به سرا اندر آمدند و به غارت مشغول شدند. خاصگان و کبیوتران ملازمت کردند و سرای را آتش زدند تا همه سوخت و در وی هر چه نظایر بوه از زینب و سیمین همه ناچیز شد، و چندان شد که از بناها اثری نماند، و چون امیر شدند منصور بن نوح به ملک بستند. اندر ماه شوال سال به سبب و بجهت به جوی مولیان، فرمود آن سزایها را دیگر بار عبارت کردند و هر چه هلاک و مایع شده بود بهتر از آن به حاصل کردند، آنگاه امیر رسید به سرای بستند. هنوز سال تمام شده بود که چون شب سوری چنانکه عادت قدیم است آتش عظیم افروختند، باره ای آتش بجهت و سبب سرای در گرفت، و دیگر باره حمله سرای سوخت و امیر سدید هم در شب به جوی مولیان رفت تا هر در آن شب خزینه و دلقینه همه را بیرون برده<sup>۷</sup>»

از نوشته تاریخ بخارا چنین برمی آید که در سه چهارم هجری قمری، در ایران جشن معمول بوده که «شب سوری» نامیده می شده و با آتش افروزی و آتش بازی و شادمانی همراه بوده است و نیز از عادات قدیم ایرانیان می بود، به نظر می رسد که جشنی که هم اکنون در شب آخرین چهارشنبه سال به نام «شب چهارشنبه سوری» برپا می شود دنباله همان جشن باشد که مؤلف کتاب تاریخ بخارا از آن به «شب سوری» یاد نموده.

شلت برگزاری این جشن در شب چهارشنبه: عربها روز چهارشنبه هر هفت را مانند روز سیزده هرام محس و بیشگون می دانستند. حافظ در کتاب «الحسن والأشداد» به تنگ و نحس آن اشاره کرده و می نویسد: «والایام، یوم شنگ ونحس»<sup>۸</sup> این اعتقاد عربی در زمان حکومت نازمان در ایران، در اندیشه ایرانیان راه یافت و از آن روزگار تا کنون ایرانیان هم مانند عربها چهارشنبه را بیشگون و شوم پنداشته و از آن و پلایهای آن سخت برهیخته اند و روزه جشن و شادمانی و پایکوبی آورده اند. منوچهری دامغانی می گوید:

چهارشنبه که روز بلاست باید بخور  
به سانگین می خور تا به غایت گذرد  
از این رو می توان دریافت که ایرانیان نوسالمان خنجر اسلام، برای این که شومی و نحس چهارشنبه آخر سال را - که از چهارشنبه دیگر بیشگون تر بوده است - از خود دور کنند، شب پیش از آن را جشن می گرفتند و آتش می افروختند و بدآئین و رسمهای باستانی و ایرانی خود به تراه خوانی و پایکوبی دست افشایی می برداختند، شاید هم برای از میان برداشتن و فراموش شدن آئین «فرودگان» (جشن ده روزه پایان سال) آنرا در چنین شبی با مراسم خاص و زیبایی برگزار می کردند<sup>۹</sup>.

آئین شب چهارشنبه سوری: در این روزگار آئین شب چهارشنبه سوری در سراسر خاک ایران با شور و شکوه فراوان و کمابیش با رسم و شیوه ای خاص و یکسان گرفته می شود. در این گفتار جالبترین رسمهای مخصوص این شب را که پارهای از آنها دیگر ترک یا فراموش شده یاد خواهیم کرد:

بوته افروزی - پیش از پدید آمدن آفتاب از لب بام خانه ها، هر خانواده بوته های خار و گزنی را که از پیش فراهم کرده اند روی بام یا زمین حیاط خانه، در سه یا پنج یا هفت «گله» کبک می کنند. با پدید آمدن آفتاب و نیم تاریک شدن آسمان، زن و مرد و پسر و جوان گروه جمع می آیند و بوته ها را آتش می زنند. در این هنگام از بزرگ تا کوچک هر کدام سه بار آرزوی بوته های افروخته می برند و در هر بار چنین می خوانند: «زردی من از تو - سرخی تو از من».

۷ - تاریخ بخارا، تصحیح مدرس رضوی، چاپ تهران، سال ۱۳۱۷، صفحه ۳۲.

۸ - الحسن والأشداد، چاپ سمرقند، صفحه ۲۷۷.

۹ - پیش از مردم شهرها و دهات ایران جشن چهارشنبه آخر سال را به بخارا نقلی است. می بیند و می گوید چون در یک چنین روزی بخارا بر پیشانی خاندان حسین علی بیروز آمد و همه آنها را کت آنرا جشن گرفتند و از آن پس مسلمانان ایران همه ساله شب چهارشنبه آخر سال را به بزرگداشت آن روز جشن می گویند و ندای می کنند و آتش می افروزند.

بوته ها که سوخت و خاکستر شد، زنی خاکستر آن را در «خاکدانان» جمع می کنند و آن را از خانه بیرون می برد و دوسرچهارراه می ریزد، در بزرگداشت به خانه، در خانه را سخت می گویند. کسی از بیرون خانه می پرسد: گیه؟

او می گوید: نام

می پرسد: از کجا آمده ای؟

می گوید: از جوی

می پرسد: جی آورده ای؟

می گوید: تندری

در این هنگام در خانه را به رویش می کشند و همراه او تندری را برای یکسال به درون خانه خود می آورند.

فالگوش نشینی - آسمان که تاریک شد و ششاسای مردم دشوار. زنان و دخترانی که آرزوی شوهر کریم دارند، با آرزوی زیارت و چیزهای دیگر، نیت می کنند و از خانه بیرون می روند و دوسر راه و گذر مردم یا سرچهارسو می ایستند یا می بنشینند و می آن که شناخته شوند گوش به سخنان رهگذران می سپارند.

بیک وید سخن رهگذران برای فالگوش نشینان فال است. اگر نخستین رهگذرانی که از بر آنها می گذرند، سخنان دلنشین و شاد بگویند، بر آسودن حاجت و آرزوی خود را ختم می دانند. اگر سخنان تلخ و اندوختار بگویند، رسیدن به مراد و آرزوی خود را ناممکن خواهند دانست. فالقزلی - زنان و دختران آرزومند و حاجتدار، قاشقی با کاسهای مین بر می دارند و شب هنگام در کوچک و «پس کوچک» برآه می افتند. در برابر در هفت خانه خاموش و بی سخن، قاشق را بر پهلوی می کاسه می زنند. صاحب خانه که با چنین رسمی آشناست و میدانند «فالقزلیان» چه می خواهند، چیزی در کاسه آنان می گذارند. این چیز ممکن است بول باشد یا شیرینی و آجیل و برنج و بیش یا چیزهای دیگر.

«فالقزلیان» اگر در قاشق چیزی به دست نیابند از آرزو و حاجت خود ناامید خواهند شد.

بخت گشایی - تهرانیها برای گشودن بخت دختران «در خانه مانده» «بخت بسته». در شب چهارشنبه آخر سال کارهایی می کردند که سخت به سودمند بودن آنها باور داشتند. مثلا: - پس از بونه افروزی، زنی «بیمسوزی» از زیر دیگ پلوی شب چهارشنبه بر می داشت و با آن در پی دختر «در خانه مانده» می کرد و او را از خانه بیرون می راند. - پیش از «آفتاب غروب» زنی به دیانخانه می رفت و جامی از آب آن بر می داشت و بیخانه می برد و آنرا در «تنگ غروب» روی سردختر «ترشیده» می ریخت.

- زنی پیش از آمدن پسران «ختر بخت بسته را بر می چید و با چاک پلین بقاش با قنای می بست. شب هنگام او را به سرچهارراه می برد و می ایستادند. دختر خاموش می ایستاد و زنی که همراه او بود کبک قتل را به یکی از مردان رهگذر - البته بیشتر مردان جوان - می داد و از او می خواست تا قتل بسته جامه دختر را بزرگد. جوان اگر درخواست زن را می پذیرفت و قتل جامه دختر را می گشود، به عقیده ایشان بخت دختر باز می شد و بخت «گشاینده قتل» بسته.

- تا چندین سال پیش، زغال سیاه بخت و دختران بخت بسته برای سفیدبختی و گشایش بخت خود به میدان ارک تهرانی، که در آن تویی به نام «توب مروارید»<sup>۱۰</sup> گذاشته شده بود، می رفتند و بیت می کردند و روی توب می نشستند. با از زیر لوله آن می گذشتند. گاهی هم زنان حاجتمند برای رسیدن به مراد و برآمدن آرزو، تکه پارچه ای را به توب «دخیل» می بستند.

۱۰ - «توب مروارید» تویی بود که در سال ۱۳۳۳ هجری قمری به زمان پادشاهی فتحعلشاه قاجار بوسیله «اسماعیل اشعاری» ساخته شده بود. این توب میان مردم تهران به «توب نادری» هم مشهور بود.

— دختر یا زنی بخت بسته برای گشایش بخت خود، گوشه‌های ازجاده یا دامن یا پیرهن یا چهارقد خود را گرفته می‌زد و به سر چهارسو یا کندر می‌رفت و می‌ایستاد و از نخستین رهگذری که از پیرایش می‌گذشت، درخواست می‌کرد تا گره جامه‌اش را بگشاید.

— تنگ، غروب شب چهارشنبه سوری دختر یا زن کارسته و «سایبخت»، برای خریدن «کنند» و «روخ» و اسپند به سه دکان رو به قبله می‌رفت. ازدکان اول دوم این سه چیز را تقاضا می‌کرد ولی تا فروشنده سرگرم آماده کردن آنها می‌شد، ازدکان بیرون می‌رفت و می‌گریخت. سرانجام کندر و وشا و اسپند را ازدکان سوم می‌خرید و به خانه می‌برد و برای گشودن بخت و کار خود بود می‌کرد.

**کوزه شکنی** — تا چندین سال پیش که در میدان ارک تهران تقاره‌خانه‌ای بود، زنان نهران به آنجا می‌رفتند و کوزه نو و آب نپینده‌های را از بالای سردنقارخانه به زمین می‌افکندند و می‌شکاندند. زنانی هم که نمی‌خواستند به میدان ارک بروند کوزه را از سر راه خانه خود به زمین می‌انداختند. این زنان چنین می‌پنداشتند که قضا و ولایتی را که در کوزه کرده‌اند با دورانداختن و شکاندن آن از میان خواهند برد و برای مدت یکسال قضا و ولایت را از خانواده خود دور خواهند کرد. **فال گرفتن با کوزه** — زنان و دختران جوان گردهم فراهم می‌آمدند و کوزه دهان گشاده کوچکی را در میان خود می‌گذاشتند و هر یک چیزی را به نام خود نشان می‌گذاشتند و در کوزه می‌انداختند. زنی هم چند تکه کاغذ «ناشده» را که به روی هر یک از آنها غزل یا حافظه نوشته شده بود در کوزه می‌افکند. آنگاه دختر نابالغی دست در کوزه می‌کرد و کاغذی را با یکی از نشانه‌ها بیرون می‌آورد. در این هنگام زنی از میان آنها کاغذی را بازمی‌کرد و غزل آنرا می‌خواند. معنای این شعر پاسخ دست و فال دختر یا زنی بود که نشانه‌اش بسا کاغذ از کوزه بیرون آمده بود.

**باطل کردن محرو جادو** — برای باطل کردن سحر و جادو از خانه و گشایش کار «قلیاب» یا «قلیاب سرکه» درست می‌کردند و آنرا در چهار کنج خانه و اتاقی و سردر کوچکی می‌پاشیدند و می‌گفتند:

هر کسی کرده جادو عادل — من می‌کنم جادو باطل.

**بخن آتش بودردا و آتش بیمار** — خوابنده‌هایی که بیمار یا حاجتی داشته برای برآمین حاجت و بهبودی یافتن بیمارشان نذر می‌کردند و در شب چهارشنبه آخر سال «آتش بودردا»<sup>۱۱</sup> و «آتش بیمار»<sup>۱۲</sup> می‌بخندند و آنرا اندکی به بیمار می‌خوراندند و بقیه را هم در میان قفرا پخش می‌کردند.

**گدازاندن کوردهک نجس از زیر تقاره‌خانه** — برای بریده شدن «آتش» و «ریسه» کوردهک هیر خواهر و ازجانب بریدن «تختی اش»، او را به میدان ارک می‌بردند و سه بار از زیر تقاره‌خانه و اوله توب می‌روایند می‌گذاشتند. همچنین در کوزه‌های گندم می‌ریختند و آن را بر زمین می‌زدند و می‌شکاندند تا گندمش روی زمین پخش شود و بریندگان آنرا بخورند.

**تقسیم آجیل چهارشنبه سوری** — زنانی که نذر و نیاز کرده بودند در شب چهارشنبه آخر سال، آجیلی هفت مغز<sup>۱۳</sup> به نام «آجیل چهارشنبه سوری» از دکان رو به قبله می‌خریدند و پاک می‌کردند و میان خویش و آشنا پخش می‌کردند و می‌خوردند.

۱۱ — برای درست کردن قلیاب یا قلیاب سرکه، کدایی از قلیاب خشک را در ماهون برنجین می‌انداختند و هفت مغز با نعل حسابی را فرامی‌خواندند تا آن را بگویند و آب یا سرکه بپایند و در هم آمیزند. این هفت مغز در کجا که بویین قلیاب استهای خود را از میان دوا می‌آوردند.

۱۲ — آتش بودردا یا ماشه آتش زنده می‌بخندند و کدایی از خیزر را به زبخت نرد و زنی (یعنی ابودردا و زنت) دست می‌گردند و برآش می‌انداختند.

۱۳ — آتش بیمار یا آتش امام زین العابدین را مانند آتشی معمولی ولی از بار و پشمی که از قافله‌ی بی‌دست آمده، یا از مواد بی‌ارزول دست آمده از قافله‌ی فرام شده بود درست می‌کردند.

۱۴ — هفت مغز: پسته، فندق، بادام، زرد مغز، گردو، تخم‌خا، تخم‌چمن و گشش.

# نظری تاریخ باستان شناسی کاوشان بنای مشهور تاریخی مسجد سلیمان

نصرت‌اله مشکوتی  
عضو شورای عالی باستان‌شناسی

سپاهک را معاصر و هم‌زمان با دوران باستانی شوش اول و هزاره سوم قبل از میلاد دانست.

مهمترین سنت تاریخی و علمی که در طی این کاوش‌های دقیق نصب تمدن ایران باستان گردید پیدایش الواح گلی بنام پرتو علامیت Proto-Ilamite است. این الواح گلی دارای علامت و ترسیمات تخیلی و قراردادی Ideogram میباشند. این نکته بسیار مهم در نتیجه بررسی و تفسیرات دامادار محققین و دانشمندان علماء خارجی که در رشته خواندن خطوط تصویری و مطالعات و تشریح کافی دارند ثابت شده است که این خطوط و علامت ترسیمی بر روی این قطعات گلی در زمزمه قدیمیترین آثار نگارش دست بشری بشمار می‌رود و در فلات ایران تنها قطعاتی است که پیش از عهد اورارتو و هخامنشی مندرک گشتی بدست بشر امروزی داده است. مضامین و مفاهیم این الواح یا استوانه‌های گلی بیشتر شامل صورت‌حساب و قبض رسید و عنوان و علامت مالکیت و ثبت و انحصار کالاها یا تجاری بوده است. کشف این راز تاریخی و سایر نکات و وسایط و نقوش و امهار و دستگهای گرانها و لوازم زینتی و غیره که توأم با اشکال طیور و انسان و حیوان بر روی ظروف سفالیین گورستان سی‌ارک است موجب شده که از جهات عدیده هنر و صنعت این دوران مورد مطالعه دقیق قرار گیرد.

- ۱ — برای ساختن و پرداختن سنت هم‌گلی کاشی‌بری، کارگاه‌های شهری در قرن هفتم و هشتم هجری در ایران دایر بوده است از مهمترین مراکز کاشی‌بری آن عصر در بریه اولیاد نام کاوش و ری و سلطان آباد و سلطانیه و دامغان و قم و ساوه و فیسپور و مشهد و گرگان بوده بود. درین این خط مسووت کوبه‌های کاشی‌کاران و دامغان و ری از لحاظ رنگ آمیزی و ظرافت دارای امتیاز و اختصار خاصی بودند.
- ۲ — برای آشنایی کامل با اهمیت تاریخ حیرات سرزمین سپاهک و حیرات کوش علی و ایجاد کشف شده مراجعه شود به گزارش و یادگاری حیرات سپاهک نوشته ر. گرشمن فرانسوی. چاپ ۱۹۳۳ میلادی. پاریس. صفحات ۳۷ — ۳۴ — جلد اول دوم.

پیش از آنکه هیات نمایندگان باستان‌شناسی موزه لوور کشور فرانسه بر است آق‌ای برنور مان گرشمن R. Gherzman ایران‌شناس در سال ۱۳۲۳ و ۱۳۱۶ خورشیدی شروع به کشف و مطالعه تاریخ و گمانه‌زنی در تپه‌های قدیمی معروف به سی‌ارک یا سپاهک که در سه کیلومتری جنوب غربی شهر کاوشان کنونی و در سر راه بقعه زیبای امامزاده ابراهیم (از اینبه دوران قاجار و قرن سیزدهم هجری) تقسیمه و باغ تاریخی قین واقع شده است، اقدام نمایند اهمیت و منزلت دارالمؤمنین کاوشان که بناگفته شدن فرانسوی عربی شهرهای ایران دوره صفوی بشمار می‌آید. بیشتر از لحاظ معماری و ماریون آواز دوران اسلامی و تزئینات هنری و مسوجات پدید و صنعت کاشی‌بری آن بوده است. بالاخص شهرت هنرمندان کاشیکار و کاشی‌تراش این شهر بر اشتهار و معروفیت کاوشان می‌افزود.

لیکن در خلال کاوشهای علمی و باستان‌شناسی در دو تپه بزرگ و کوچک و گورستان ماقبل تاریخ سی‌ارک و کشف آثار ساختاری در روی دو تپه و پیدایش آتش زیر خاک فراروان موجب شده که باستان مندرک فراروان دامنه تاریخ این ناحیه باستانی تا حدود ۱۷۵۰ و ۲۸۰۰ قبل از میلاد کشانیده شود، بناهات آثار کشف شده که شامل خشت‌های بزرگ و ضخیم و آلات و ادوات سنگی و مفرغی و انواع و اقسام ظروف سفالین ساده و مسور و شسته و مهره‌های گلی و استخوانی که در لایه‌ها و درون قبور باغات باقی‌مانده بود قنعت و پیشینه این سرزمین تاریخی را ثابت نمود بدین معنی که در این منطقه که سال در زمانی در حدود سی قرن قبل از میلاد می‌زیستند که دارای تمدن خاصی بوده‌اند. از معاینه آثار و میراث مادی آنها یا سایر گنجینه‌های باستانی مانند اراضی مونیان و گیان هلاوند و تپه خضار دامغان و مناطق پیش از تاریخ مرودشت و تخت جمشید و پورانه‌های شوش و اطراف زیگورات عیلامی جعاز نیل مذکور و یواحی دهستان لرستان میتوان پیشینه تمدن و تاریخ ساکنین اراضی دست

در این جا می‌نمایند نیست که خلاصی از ترجمه متن سخرانی آقای ر. گرشن رئیس هیأت کاوشهای علمی تپه‌های سیرازک را که پس از پایان فصل اول حفاری که در تالار موزه ایران‌باستان ایراد نموده‌اند عملاً نقل نمایم تا معلوم شود که ناچنداناره خدمات ایران تمدن جهانی و بنیان‌گذاری تمدنهای علمی و هنری مؤثر بوده است.

«ایران از دوران ماقبل تاریخ بمنزله شاهراه علمی بوده که از این معبر تاریخی برای انتقال افکار و نپشت‌های جهانی استفاده و استفاده می‌شد، و از سوی دیگر این سرزمین نامدار در حکم میانجی تمدن شرق و غرب و بهل ارتباط عالم امروز بشمار می‌رفت، در حالی که از نتایج تمدن ملل و اقوام دیگر بهره‌مند می‌شد هرگز از تادیبه آنچه دریافت بود باز نمی‌ماند، با کمال ایمن و نهایت اختصار می‌توان گفت: اقدام ایران شامل دریافت داشتن، ساختن و پرداختن و سپس منتقل کردن تمدن شرق و غرب عالم بوده است.»

آبادی باستانی و بیلابلی و خوش منظر «نیستر» یا «نیستر کاشان» که بنای دهکده چهارطاقی آتشکده آن منسوب بدوران شاهنشاهی اشعری ساسانی (۲۲۶ میلادی) می‌باشد، گواه دیگری بر قدمت تاریخی این ناحیه کهنسال ایران است. بنای این آتشکده گنبددار که بنام آتشکده اردشیر موسوم است در عهد زبیرترین چهارطاقیهای دوره ساسانی است که بر فراز تپه مرتفعی بنیان نهاده شده. ساختمان آتشکده اردشیر از سنگ و ساروج است که در نهایت استحکام و استواری بنا گردیده است.<sup>۲</sup>

نصبتین مرتبه که بنای این آتشکده در محل مورد مطالعه دقیق معماران و باستان‌شناسان قرار گرفت و مقاله مستندی در باره خصوصیات آن به پیوست نقشه و عکس بر زبان فرانسه منتشر گردید. در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بود که نگارنده این مقاله که در آن سال بعنوان بازرسی فنی اداره کل باستانشناسی همراه هیأت حفاری علمی سیالک بودم با اتفاق آقای مهندس پ. هاروی فرانسوی P. Hardy عضو مسیون حفاری در کاشان از آبادی یاسر و چهارطاقی آتشکده آن بازدید بعمل آوریدیم، و سپس شرح کامل این بنای آتشکده را که نویسنده چهارطاقی و آتشکده ساسانی در محدوده کاشان کوشی است (آتشکده نظار) در ضمن انتشارات هیأت حفاری چاپ رسانیده شد.<sup>۳</sup>

آبادی یاسر در حقیقت مرهون برکت چشم اسکندریه است که از دامنه کوهستان شمالی بنام «وگم» سرچشمه گرفتند و پس از عبور از ارتفاعاتی (در حدود ۱۶۰۰ متر) بنام تالار و تشکیل آبخاری همین نام اراضی یاسر را مشروب می‌نمایند. بقیده عهدی از محققین و باستانشناسان با توجه به آثار و علائم دیگر بقایای این باستانی که در اطراف این قصبه بیلابلی بدست آمده و کشف شده، بر این است که وجود چشم اسکندریه موجب آبادی و رونق تاریخی و زهنت و صفای فراوان این گلزار کاشان شده است.

آثار حجاری در ارتفاعات سخره سنگی تالار و چند جگه‌گاه در اطراف و جنوب بنای چهارطاقی ساسانی دلیل و شاهد دیگری بر وسعت این منطقه باستانی می‌باشد، چنانکه با کشف پناهگاههای تاریخی و غارهای کوهستانی در این ناحیه تقریباً به تیرت رسیده که این دسته‌های غارمانند که بر رأس الخط جبال سنگی قرار گرفته است بمنزله مقر عبادتگاه و مسکن موبدان و خادمین آتشکده بوده است.

گورستان قدیمی بزرگ قسمتی از آن بنام قبرستان تخت مرغ شهرت دارد حاوی آثاری از دوران قبل از اسلام و دوران اسلامی است با تحقیق و گمانه‌زنی که در این مناطق بعمل آمده سفالهای متنوع فراوانی با اشکال مختلف و همچنین آلات و ادوات برنزی و استخوانی و بیکنهای فلزی و قطعات کاشی لعابدار کشف شده‌اند. اینهاست با انجام کاوشهای علمی در آینده نزدیک پیشینه تاریخی ساکنین این ناحیه کوهستانی زیبا و خرم هم ماسد ساکنین گذشته تپه‌های سیالک روشن و آشکار شود.

از بناهای اوائل دوره اسلام (قرن اول و دوم و سوم و چهارم هجری) در کاشان با کتون نمونه مستندی شناخته شده است لیکن این نکته مسلم است که در محدوده کاشان قسمی و در دو سوی یاسر و دروازه «نختر» آثاری از دوران اوائل اسلام موجود بوده که بتدریج از بین رفته است.

خوشخانه آثاری از دوره سلجوقیان (۴۲۹ - ۵۵۲ هجری، ۱۰۳۷ - ۱۱۵۷ میلادی) مانند مسجد جامع و مناره آجری آن (مورخ ۴۵۳ هجری) و مناره زین‌الدین در شهر کاشان باقی‌مانده است که معروف رونق و آبادی این ناحیه در قرن

۳ - در تاریخ قم بومی دیگر در وجه ششمه دوازده و بنا و بنیاد آنجا باقی است که اردشیر پادشاه حج بعد از فتح و غلبه امپراتور روم این چشمه آمد محلی رفیع، خوش آب و هوا یافت. گفت همانا نه روز خیرت گوییم چه این محله است با روح و فیض و زلف و نور و کلاه و ریاضین و نگارخانه چین است و نشی آرتنگی زمی منوگانه آراست، افرسون که سر راه لشکر اردشیر بود چنین گفت که گوی و ریاضین نرم خراب اهل زرم سرهای شجاعان است. گویند سرمد هر از اطال خجایان همراه داشت، حاسر ساختن گویا باین زبان وقت زبان توده که مهر آینه خرن افریجان سره و بین جهت به نیلوسر موسوم شد و از کثرت استعمال سیر می‌گوند. زیرا که «فر» زبان فارسیان حیرت بخش شجاع است و «دیانه» جمع «دی» و «افره» کلمه رابطه است که زبان فرس «دی» می‌گوند و «مهر آینه» یعنی آریبند و «خرن» یعنی جشن است، ترجمه این جمله آنکه بیارند خطی ما را سرخچایان خلاصه بدانند روز فرمان داد تا بر فراز آن کوه همان باغ و تالار را بنا کردند و در اطراف و جنب آن محلی بزرگ بنیاد نمودند و درست خری چشمه یاسر چهار طاقی آتشکده‌ای از سنگ تراش بنا نهادند زرع چهارده زرع زرع که باقیم بدون خرابی و در دست بریا و معروف است به آتشکده اردشیر. نقل از کتاب تاریخ کاشان نگاشته شهید کوشش آقای ایرج افشار. کتابخانه ایریسیا. چاپ دوم ۱۳۱۱، تهران.

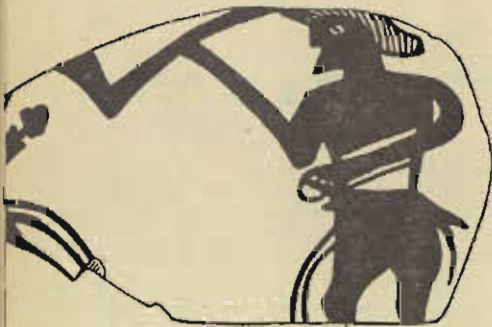
۲ - کتاب آثار ایران جلد اول ص ۲۶۳. کتابخانه موزه ایران باستان.



بالا: منظره‌ای از کوه‌های هیات علمی فرانسوی در کوهستانهای سیالک در آبان ۱۳۱۶ خورشیدی. پایین: طرف گچی ممتن که صورت مرد جنگی بیادای را که کلاهخوشی بزرگ و کلاه شرمه‌دار نشان میدهد. محل کشف گورستان سیالک

ششم هجری است. همچنین بقایای حصار و باروی عظیم معروف جلالی را از بناهای دوران سلطان جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی (۶۶۵ - ۷۱۵ هجری) میدانند.

شهرستان کاشان با مقایسه نسبت به شهرستانهای دیگر ایران (باستثناء چند شهرستان استان آذربایجان شرقی و غربی و تاسه ایراقوی فارس) با اینکه از نسکو دچار خدمات تاریخی فراوان شده و از سوی دیگر حوادث طبیعی مانند زلزله بر بیکر اینهمان لطایف جبران‌ناپذیری وارد کرده است، از نظر دارا بودن آسار دوران موقول و قرن‌های هفتم و هشتم و نهم و دهم هجری در حداد اماکنی است که توانسته است با زهر قستی از بناهای خشنی دوران موقول (آرامگاه بابا افضل در مرق) و معراب مسجد قمعمر) را حفظ نماید و همچنین از زمان ترکمانان آق‌قویونلو (مسجد میدان) و عصر درختان صفوی (باغ تاریخی قین، امامزاده حبیب‌بن موسی، مسجد وزین،



امامزاده میراحمد؛ بقعه پیرداود قمصر؛ دوره قاجار (مدرسه سلطانی و امامزاده ابراهیم و مدرسه آقا و منزل روح‌نوردی). برای آثار مشهور و فراوانی است، ازینرو است که میتوان این ناحیه کهن باستانی را در حکم گنجینه‌های از تمدن ماقبل تاریخ تا حال حاضر دانست. از طرف دیگر شهر کاشان از لحاظ مطالعات شیوعهای مختلف معماری و هنرهای تزئینی و پدید و بالخصوص صنعت کاشی‌سازی دارای اهمیت و مقام ارجمندی است.

با مختصر مطالعاتی که در مقدمه بالا در باب خواهد نوشتند گویی این سرزمین باستانی نوشته شد میتوان گفت تا اندازه‌ای به پیشینه تاریخی کاشان که مخزن اژدرهای هنرهای ملی ایران را در بر دارد، آشنائی حاصل شد اینک شرح منظوم اصلی این مقال که نگارش تاریخی ساختمان مسجد میدان (استگد) یا منجده خواجہ عبدالدین شیروانی است میردازیم.

مسجد میدان آریزهای مهم تاریخی شهر کاشان است که در حین بازار مس‌فروشان و مقابل میدان واقع شد است. بنای این جامع تاریخی متعلق بزمان سلطنت سلطان جهان‌شاه قراقویونلو (۸۶۱ - ۸۷۴ هجری) است که بر طبق کتیبه سردر آن، بنای بنا خواجہ امیر عبدالدین شیروانی در سال ۸۶۸ هجری (۱۴۶۳ میلادی) میباشد.

این جامع قرن نهم هجری که بنام مسجد عبادی هم نیز خوانده میشود شامل جلوخان و دو سردر با کتیبه تاریخی و عهت و سنگاب و صحن متوسطه و دو صحنه و چند حیضت و گنبد آجری و منبر کاشی مرقع نیست و آب‌انبار تاریخی میباشد. در جلوخان این مسجد یازده عدد احکام و فرمان تاریخی در روی سنگ نقر شده و بر دیوار نصب گردیده است. مطالب و مفاد این احکام شاهانه عرف اوضاع تاریخی و اجتماعی

۵ - آریزهای دیگر دوران جهان‌شاه قراقویونلو که در ایران باقی‌مانده و باقی‌مانده شاخه شدت در تاریخ اول پایه نام مسجد کبود تبریز و منبر نوب امام استخوان و زنده بود. این مسجد که بنام کاشیکاری مرقع کبود رنگ بنام مسجد کبود خوانده میشود در دوره ساجد بسیار مهم و مشهور تاریخی ایران است. کاشیکاری و اسلوب ساختن و طاق‌بندی آن بسیار جالب میباشد. زمینیان مرقع این جامع و کاشیکاری آن در زمان ناصر ابراهیم تاریخ معماری و هنر دوران اسلامی ایران بشمار میرود که در مقاله جداگانه‌ای شرح آن خواهد پرداخت. طبق کتیبه سردر مسجد کبود این جامع تاریخی که حاوی گنجینه‌های از هنر مرقع‌کاری است پایه در سال ۸۳۰ هجری (۳۸۱ سال قبل از ساختمان مسجد میرشاد در کاشان) با تمام رسیده باشد، بنام مسجد کبود سالانه خاقان بختر جهان‌شاه بوده است.

بنای مشهور تاریخی تبریز اصنام افغان (آرامگاه امامزاده ابراهیم طحطا و زین‌العابدین) که سردر اصلی آن بنام امامزاده جهان‌شاه و مورخ بنام ۸۵۷ هجری است در دوره امیه تاریخی و هفتم قرن نهم هجری بشمار است.

۱ اقتصادی و اداری آن روزگار میباشد.

- ۱ - فهرست این احکام تاریخی شرح زیر میباشد:
- ۱ - فرمان بطرف دولت مورخ بنام ۸۹۹ هجری بنام ابوالفضل جهان‌شاه پسر سلطان مریم بقوش عادلانه اجناس و خواربار و عهه ایجاد مزاحمت برای ساکنین کاشان.
- ۲ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۹۳۳ هجری بنام سلطانسلطان اول بقدری مریم و رعایت جانب‌کنان در آن.

عورنی آبادی نیار



هر و ورید

تاریخی بطرف رفاع رحمت توأم با غنائی آن و رنگ میباشد نمونه ممتازی از هنر معماری و تزئینی دوران ترکمانان قراقویونلو

- ۳ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۹۴۱ هجری بنام شاه‌نهادت سلطی مریم و منع ترک اعمال خلاف.
- ۴ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۹۷۹ هجری مریم با هدایت امر زراعت و آبادانی.
- ۵ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۹۸۱ هجری مریم و منع تلم و رسته و راه‌نواختن شدت.
- ۶ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۹۹۱ هجری مریم و منع حقوق دلالی در کاشان.
- ۷ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۱۰۰۲ هجری (زمان شاه‌عباس کبیر صفوی) مریم و منع بدعت تراشورگیایی و حقوق تدفین اموات. (این فرمان معلوم است).
- ۸ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۱۰۲۲ هجری (زمان شاه‌عباس کبیر صفوی) مریم و رعایت رعایای ایزدخواست تا ایلالت در ماه رمضان.

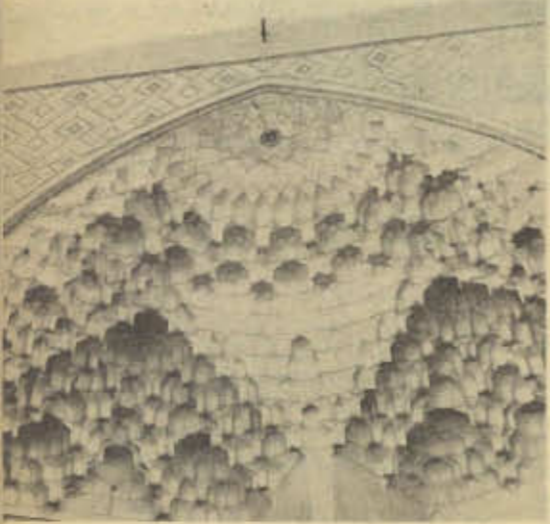


هر و ورید

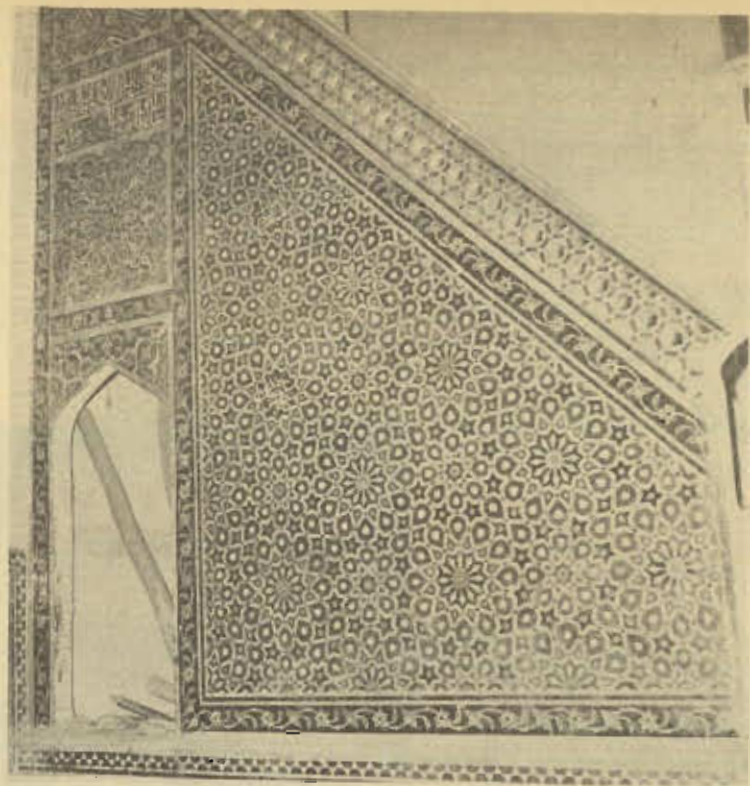
و نیمه دوم قرن نهم هجری (۱۴۶۳ میلادی) میباشد. متن کتیبه تاریخی سردر که حاوی نام ابوالمظفر جهان‌شاه

- ۹ - فرمان بطرف سلطان مورخ بنام ۱۰۴۹ هجری (زمان شاه‌نهادت مریم و جلوگیری و منع رسوم اعمال خلاف مروی).
- ۱۰ - فرمان مورخ بنام ۱۰۹۰ هجری (مقتدر بن سلطان جهان‌شاه) در باب ممنوع‌گرفتن قماربازی و فروش چرم و سایر ادویه مخبر.
- ۱۱ - فرمان مورخ بنام ۱۱۴۳ هجری (زمان شاه‌نهادت دوم) در باب اعطاء آبلای بدعت.
- ۱۲ - میرزا جهان‌شاه قراقویونلو از جمله ایزدخواست در سال ۸۶۹ هجری حکم میرزا شاه‌رح به حکومت آذربایجان منصوب شد و بعداً عاتک نسلی مسائل عراقی عرب و مصر و کرمان و سواحل دریای عمان و آذربایجان تا سرحد روم و نام شد. در جنگ با حسین‌بنک حاکم مهاباد بزرگ‌نظام شد و در حین فرارگشت شد (۱۲ ربيع الثانی ۸۷۳ هجری). جهان‌شاه ۷۰ سال عمر داشت و چند اوزار به تزیین نقل نموده و در مظنری که خود در سردر دست‌نکرده بود دفن گردید (اشاعور تاریخ، باب پنجم، فصل اول - قراقویونلو).

زاست - استگد یا چهارطاقی اردشیر ساسانی در قریه نیار بعد از امیر چپ: سردر مسجد و مقرنس‌کاری و تزیینات گچ‌بری و سفینی از کتبه تاریخی آن



هر و ورید



هرکاشی معرق و کتیبه تاریخی آن

و بانی مسجد عبداللین محمود شیروانی است بدینقرار است :  
 وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَهَّابُ يَا وَهَّابُ يَا وَهَّابُ يَا وَهَّابُ  
 تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ فِي أَيَّامِ دَوْلَةِ السُّلْطَانِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْخَوَافِي  
 فِي الْعَالَمِ الْمَنْظُورِ بِأُظْهَارِ عِوَالِمِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْوَالِدِ بْنِ أَبِي الْعَظِيمِ  
 حَيْثَ أَسَّسَ خِدَائِهِ مَلِكَةً وَسُلْطَانَةً وَالْحَرَمِ الشَّرِيفَةِ الْعَلِيَّةِ إِيْدَانَهُ  
 وَمَلِكَتَيْهَا الْهَوَافِيَّةِ الْوَفِيقِ السُّبْحَانِيِّ عَمَادِ الدِّينِ الشَّيْرَوَانِيِّ إِيْدَانَهُ  
 آمَالِي فِي أَوَّلِ الْحَيَاةِ وَاجْتِهَادَهُ فِي مَرَاتِلِهِ سَهْ لَعَانَ وَسْتِيقِ  
 وَتَمَادُّنِهِ . ٨٦٨ هجری .  
 کتیبه سمت چپ سردر حاوی آیاتی از کلام الله مجید

بر روی گچ میباید و در انتهای این کتیبه نام کاشی و تاریخ آن  
 چنین ثبت شده است :  
 « حرره محمد شریف انجاش فی ١١٢٣ »  
 ٨ - حرمه علیا عیال جهانشه میباید که نزد جهانشه منزلی  
 به سرا داشته است و در امور سیاست و حکومت مددخواه میفرموده است  
 و در کتیبه طغیان میرزا یزیدخان میرزا جهانشه با بخش و ساجد  
 نمود و به شیراز مسافرت کرد و پسر عباسی را به بغداد روانه نمود تا این  
 عیال خانوش شود (چند شصت روز اسفا در سن احوال سلطان  
 ابوسعید مکرکان)

در حد فاصل کتیبه تاریخی و کتیبه سمت چپ سردر بیت  
 زیر درروی جرزی کجبری شده است :  
 در پیش آنکه آینه حاملش جلست  
 دادند که کجبری عمل مرتضی علیست  
 این سردر بکرات مرمت گردیده است ، و چنانکه از قرائت  
 کتیبه ای معلوم میشود آخرین تاریخ تعمیر این جامع در سال  
 ١٢٤٣ هجری است که بدستور اسمعیل خان حاکم کاشان انجام  
 یافته است .  
 دولنگه در جوی طریف مدخل مسجد دارای کتیبه ای



دورنمای ارتفاع تاریخی بین و صفا آن

شرح زیر است :  
 درروی آنکه در سمت چپ در داخل قابی بخط برجسته  
 چنین حکاکی شده : « حسب الامر اعلی بتاريخ شهر محرم سنه  
 ١١٢٣ بمن کترین ابن میرزا محمد التتولی بانام رسید » .  
 در داخل هشت مسجد ، که در وسط آن سنگی قرار دارد ،  
 یک قطعه سنگ مرمر شفاف و شکل مربع مستطیل در داخل جز  
 نصب شده است بر روی آن چنین نقش شده است :  
 « یا الله یا محمد یا علی ١١١٣ » .  
 در دهلیز سمت راست مسجد که داخل محن میشوند در

روی پندانه جزری یک قطعه کاشی معرق که در متن و حواشی آن  
 این کتیبه خوانده میشود نصب گردیده است :  
 لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله .  
 ای نسخه غامبه الهی که توئی  
 وی آئینه جمال شاهی که توئی  
 بیرون تو بیت هر چه در عالم هست  
 از خود بی طالب هر آنچه خواهی که توئی  
 وقفه قبل الدین بن شمس الدین فیروز آبادی همیشه بزرگ  
 سنه ٨٩٧ .

محن مسجد تقریباً مربع شکل و چندان وسیع نمیباشد  
 و بطوریکه از ظاهر دیوارهای آن معلوم میشود چندین مرتبه  
 تعمیر و مرمت شده ، لیکن این ترمیم ظاهری تغییر درجهیات  
 اصلی محن مسجد نداده است . در وسط محن مسجد محل  
 حوضخانه سرباز آن واقع شده ، که بوسیله چند پله که از کف  
 محن اصلی شروع میشود بحوضخانه منتهی میگردد ، درست  
 راست و چپ مدخل ورودی دومه است ، در پشت سده طرف  
 راست شستنان بزرگی در زیر کتیبه آجری ساخته شده است  
 و در جنبین آن هم شستناهای دیگری احداث گردیده است .  
 در داخل شستنان وزیر کتیبه و در طرف راست محراب  
 منبری از کاشی معرق با ارتفاع چهار متر که دارای شش پله است  
 مشاهده میشود ، این منبر از لحاظ هنر و تراش کاشیهای رنگین  
 و ظرافت که در آن بکار رفته است از نمونههای ممتاز و عالی  
 معرق کاری کاشان بشمار میرود . در پندانه راست منبر میباید این  
 کتیبه در دو سطر بخط خوانده میشود : « فی ایام دولة  
 السلطان الاعظم والعاقل الاقبح الاکرم غیاث الدین والدين  
 سلطان ابوسعید مکرکان خلد الله ملکه و سلطانه . یا غیاث  
 المستجین ، عمل حیدر کاشی تراش » .  
 در پشت محن مسجد محوطه دیگری میباید این محوطه  
 دارای مدخل و سردری است که در حکم معماری به محلات پشت  
 مسجد میدان است ، در این سردر (جنب آسمانبار) لوحی تاریخی  
 که متضمن اشعاری در باب ساختمان مسکن خیرین توسط شاه عباس  
 اول صفوی ( ٩٩٦ - ١٠٣٩ هجری ) است نصب شده و این  
 کلمات و ابیات و تاریخ سال ١٠٣٣ در روی آن منقوش است .  
 الله ربی و التوفیق و مستقیم بالله .

شکر لله که از عین الله  
 در زمان شه حمید حشم  
 شاه عباس سلیمان فرمان  
 ملکته آرای عرب شاه عجم  
 بانی هر بر و یومی که شود  
 شود آن خیر بنا کشف ارم  
 صاحب همت عالیسی تا جا  
 که بتاجا حسیاً گفته علم



در یکدانه دریای سخا  
 سرو سر کرده ارباب هم  
 منگی ساخت بی خیر و خدا  
 آن زاخیر کریمان اکرم  
 کند او هر کدمی منکر کرد  
 گشت سلطان حرم از حرم  
 چون شد آن خیر بنا انامش  
 ظاهر و خفی از آن شد خرم  
 جیستم از کلتیر سخنوی تاریخ  
 منکن خیر بنا کسره رقم  
 ۱۰۳۳

در اطراف این جامع معتبر و زمان ساختمان آن بناهای دیگری ساخته و پرداخته شده بود که امروزه اثری از آن دیده نمیشود. در این جا سزاوار است همانطور که در کتب تاریخی سردر مسجد نام بانی آن ثبت شده است اشاره‌ای به آرامگاه این بانی خیر و موقوفاتی که بر این مسجد وقف شده است<sup>۴</sup> بشود تا همانطور که در متن موقوفات مسجد (مورخ ۲۳ رجب ۸۷۷ هجری قمری) ثبت شده است.

ساخت مسجد جامع عماد دولت دین  
 شهر شاه ولایت برای روز جزا  
 ز ساکنان حرم این خدا رسید بگوش  
 لطف تقبل منته تقبل حسنا  
 هزاره با یادآوری نام و مقام وی روان او عاهد و مشمول  
 الطاف الهی گردد. از جمله قبور قدیمی که در میدان مقابل مسجد که بنام گورستان دارالافتا خوانده می‌شد وجود داشت، سنگ قبر آرامگاه امیر عبدالدین محمود شبلی شیروانی بود، چون در نتیجه غریبان و آبادی شهر کاشان گورستان مذکور تبدیل به میدان میرصادق گشت بقعه بسیار محقری در جنب میدان نام آرامگاه امیر عماد ساخته شد و سنگ قبر بانی مسجد را با سنگ دیگری بآن بقعه منتقل نمودند. سنگ قبر میر عماد بشکل مربع مستطیل است که در روی سنگ و اطراف آن آیه‌الکرسی

و اسامی چهارده معصوم بخط رقاع قر شده است و بر بالای سنگ چنین خوانده می‌شود:  
 « وفات یافت جناب سعید مغفور خواجه عبدالدین محمودین خواجه شبلی شیروانی فی ۸۸۲ هـ در دیواره پائین سنگ این بیت حجاری شده است:  
 هر که آمد بجهان اهل فنا خواهد بود  
 آنکه پاینده و باقی است خدا خواهد بود  
 در زیر این بیت نام حجار چنین کنده شده: عمل استاد خواجه جان.

در روی سنگ دیگری که از لحاظ سنگتراشی شباهت کلی با سنگ آرامگاه میرصادق دارد این بیت شعر در دیده بالای سنگ کنده شده است:

اینقدر هست که قومی بی و قومی پیش اند  
 چون نظر بازگمی نوبت ما خواهد بود  
 در خاتمه این مقاله باید یک پانزده استاد مدارک مکتوبه در ایرانی سوارک و گورستان پیش از تاریخ آن و آثار دوران ساسانی و سلجوقیان و مغول و ترکمانان و صفوی و قاجار و پهلوی آرامگاه شاه عباس اول صفوی (در پشت مسجد، بقعه حبیبین موسی ع) در کاشان و باغ تاریخی فین و آثار فلزی و آبیاب و آفوشته و سد صفوی شهرود و آرامگاه بابا افضل در مرق و مشهد قالی شوران آرد بهال و مدرسه سلطانی و منزل بر جردی بدون شک در آینده نزدیک این شهر که زمانی بنام خطه شریفه، مدینه طیبه، شهر شاه ولایت، دارالؤمنین کاشان، و بنا بر نوشته شاردن فرانسوی عروس شهرهای ایران دوران صفوی نامیده شده است. بصورت یکی از مراکز مهم عظامات معماری اسلامی ایران و محل تحقیقات تاریخی و کاوشهای علمی درخواهد آمد. ما با انتظار فرا رسیدن چنین روزی که یقیناً دیری نخواهد کشید خواهیم بود.

۴ - جن چاروقلمنه موقوفات مسجد جامع و استادان سلجوقیان و صفویان که از اهل کاشان نامور باستانشناسی و خردشناسان بود در کتاب تاریخ کاشان (ص ۵۸۸ - ۵۸۹) چاپ دوم تهران ۱۳۶۱ کتابفروشی ارمینا منتشر ساخته است.

# تاریخچه‌ی کتاب و کتابخانه در ایران

(۹)

رکن الدین هایونفرخ

## یادآوری:

از دوران ساسانیان و زیاریان، امراء که اکثر آنان مردمانی فضل‌دوست و دانشمند بودند بشکل ترویج دانی و ادب ساختن مدرسه‌های بزرگ در شهرها پرداختند و برای اداره امور این گونه مدرسه‌ها موقوفه‌هایی نیز معین می‌کردند تا هزینه آرا تأمین کرده باشند. در اثر تأسیس و بنیاد این مدرسه‌ها بود که ایران دارالعلم لقب گرفت، و سنت دیرینه در این زمینه در باره زنده شد. اگرچه دانشگاه‌هایی نظیر گنجینه شاپور احیا نگریه‌ها اما پایه و اساس وجود آمدن دانشگاه‌هایی نظیر دانشگاه‌های نظامیه گذاشته شد و تمرکز گرانها بیار آورد. از آنجا که طالبان علم در ایران بیشتر طلاب علوم دینی بودند، بیشتر سعی و کوشش می‌شد که حورم این مدارس نزدیک مساجد باشد. نکته‌ای که باید بدان توجه خاص معطوف داشت اینست: تحصیل در مدرسه‌های ایرانی رایگان بود و برای کسانی که آماده می‌شدند تا عمر گرامی را در راه تحصیل علم و دانش مسرف نداشتند مقرری و ماهیانه‌ای نیز برقرار می‌کردند تا آنان بتوانند با تأمین بودن هزینه خوراک و پوشاک فارغ‌التحصیلان دوران هر گونه قبل و قال و جلال بقرا گرفتن علوم و دانشهای عصر بپردازند و با توجه اینکه در قرون گذشته مسائل چاپ وجود نداشت و تهیه کتاب برای همگان غیر مقدور می‌بود، بنابرین مدرسه‌ها برای تأمین این نظر و در دسترس گذاشتن مسائل و تحصیل و مطالعه و تحقیق و مذاقه در مدرسه‌های کتابخانه‌های عظیم ترتیب میدادند و کتابهای بسیاری بر آن وقف می‌کردند. هیچ مدرسه‌ای در قرون گذشته بدون کتابخانه نبود. و اکثر کتابخانه‌های معروف و مشهور ایران کتابخانه‌های مدرسه‌های معروف زمان بودند. تا قرن اخیر نیز این روش پسندیده در جا بود همچنانکه در مدرسه خان مروی و مدرسه عالی سیسالار و مدرسه صدر و . . . و در تهران و مانند آنها در شهرستانها. بنابر این مدرسه‌هایی که پادشاهان و صدور و وزراء و دانشمندان و مردم خیراندیش در قرون گذشته از حیث نفوذ خویش در قلمرو فرمانروایی ایران بنیاد نهاده‌اند همگی با کتابخانه‌های علمی و قابل توجه منضم بوده است و ما در این تاریخچه از اینگونه کتابخانه‌ها نیز یاد می‌کنیم.

۳۶ - کتابخانه رشیدالدین و طوطا در خوارزم: رشیدالدین و طوطا مؤلف حدائق السحر فی الدقائق الشعر و صاحب رسائل و دیوان شعر بفارسی و تازی در رسائل خود می‌نویسد:  
 « وها الاقداتی الله تعالی من الرزق الحلال قریباً من الف مجلدة من الكتب النفیسه و اللغات الفاشه و النسخ التریفه وانا و فاکل علی خزائن الکتب العینیة فی بلادہ الاسلام عمره الله لیتمتع المسلمون بها»<sup>۱</sup>.

بنابراین این نوشته، خواجه رشیدالدین و طوطا هزار جلد از کتابهای نفیس و نخبه‌های

۱ - رسائل رشیدالدین و طوطا چاپ ممر. جلد دوم ص ۸ و نسخه خطی کتابخانه نویسنده.

ارزنده‌اش را وقف عام کرده بود است. این نوشته خودمؤید است که بیشتر نویسندگان شعری ایران کتابخانه‌های معتبر و ارزنده شخصی داشته‌اند که مورد استفاده و مطالعه اهل‌مطلب قرار می‌گرفته است. ۳۷ - کتابخانه ضابطی نیشابور: در شرح حال خاندان احمد. امیر سیستان آمده است که او دانشمندان و علمای ایران را گرد آورده و از ایشان خواست تا تفسیری جامع و کامل از قرآن مجید شامل کلیه اخبار و اقوال مسلمان گذشته و چگونگی قرآن لغات آن فراهم آورند و برای انجام این مهم، بیست‌هزار دینار پرداخت و سرانجام تفسیری جامع تألیفات که مشتمل بر یکصد مجلد بوده است!

این تفسیر ارزنده و مهم را در کتابخانه مدرسه ضابطی نیشابور قرار دادند تا طالبان علم و دانش بزحمت آن بهره‌ور گردند.

مدرسه ضابطی نیشابور و بسیاری از مدرسه‌های دیگر و همچنین مسجد‌هایی که محل تحصیل و یا محل اقامت طلاب علوم بود در حمله غزان به نیشابور از میان رفت.

راوندی در راجه‌الاصحور ضمن تشریح هیئت غزان به نیشابور چگونگی تهب و غارت و ویرانی آنجا را وصف می‌کند که عیناً برای اطلاع خوانندگان از چرند در اینجا می‌آوریم.

«پس زوی به نیشابور نهادند، مرد نیشابور اول کوشی می‌کردند و قومی از ایشان را بر شهر کشتند، چون ایشان را خیرند حتر آوریدند و اغلب خلق زن و مرد و اطفال در مسجد جامع منجمی گر یختند، غزان تیغ در نهادند و چندان خلق را در مسجد کشتند که کشتگان در میان خون پاینده شدند، چون شب درآمدی، مسجدی بر طرف بازار بود، آنرا مسجد مطهر کشتندی، مسجدی بزرگ‌تر که دیوار مرمر در آنجا نماز کردند و قبه عالی داشت منشی از جوب مدعون کرده، و جمله ختونها مدعون و مذهب، آتش بر آن مسجد زدند و شعله‌ها ارتفاع گرفتند که جمله شهر روشن شد تا روز بدان روشنی غارت می‌کردند و سایر پرده‌ها... نیشابور بدان آراستگی چنان شد که هیچکس محل‌خورد باز نساخت و در شهری چون نیشابور آنجا که مجامع انس و مدارس علم و محافل مدور بود مراعات نام و مکان و وحوش و حوام شد».

۳۸ - کتابخانه ابوطاهر خاتونی: موفق‌الدین ابوطاهر از دانشمندان شیعی دوران سلجوقی است، این دانشمند در نظم و نثر فارسی و تازی استاد بود، از دبیران نامور ملکانه سلجوقی است. و چون بسیار مورد وثوق ملکانه بود بهست منشی و مستوفی دیوان گوهر خاتون حمر فضل‌دوست و خیر ملکانه منصوب گشت.

و از این رهگذر به خاتونی نامبردار گردید، تا زمان سعید بن محمد سلجوقی حیات داشته است. این دانشمند شهیر در ادب فارسی آثاری گرانقدر داشته است که متأسفانه جز يك اثر اینک از او در دست نیست نوشته‌اند که تذکره‌الشعرا، در شرح حال و احوال شعری ایران تا زمان خود نوشته بوده است که منافی الشعراء نام داشته و باید گفت آن نخستین تذکره‌الشعرا فارسی بوده است. تنها اثری که اکنون از او بهست همت تزویر الوزیر نام دارد که بزبان تازی است و در نظم و لغت نسیب‌الملک بن مؤید الملک وزیر عوفه است و الحقی در تحریر آن اسنادی و هنرستان داده و در فصاحت و بلاغت کم نظیر است، تری است صبح و مقفی و مطلع، این ارباب ارباب، کتابخانه‌ای بی‌منظور در جوار مسجد جامع ساوه بنا کرد و این کتابخانه بنام او شهرت داشت و با هجوم و تخریب ساوه دست عمول سال ۶۹۷ ه. ق. از بین رفت و یکی از مراجع مهم شیعی محسوب می‌گردد. مؤلفان این کتابخانه نسیب و گرانقدر را بی‌خوشه و نایاب ساختند.

۳۹ - کتابخانه فخرالدین مبارکشاه: فخرالدین محمد بن حسن مبارکشاه از دانشمندان دنیار پادشاهان غوری ایران است، او از شعرا و نویسندگان بنام ایرانی است، تاریخ پادشاهان غوری را در بیست و نهم آورده بود که متأسفانه هنوز نسخه‌ای از آن دیده نشده است دو کتاب از آثار او اینک موجود است یکی آداب‌الحرب و الشجاعه و دیگری شجره‌الانساب.

مبارکشاه کتابخانه ارزنده‌ای بنیاد نهاده بود که بر آن برای دانشمندان و سالیاری شعرای را نیز فراهم آورده بود. در گذشت مبارکشاه سال ۶۰۲ است و بنیان کتابخانه مبارکشاهی در اوایل قرن ششم بوده است.

۴۰ - کتابخانه رستمین شهریار در ری: هشتاد غازی رستمین اولین شهریار در ری کتابخانه‌ای عظیم بر پا داشت، بطوریکه بهاء‌الدین محمد بن حسین اسفندیار معروف به ابن اسفندیار از دانشمندان طبرستان در تاریخ بنام خود متذکر است، پس از اینکه رستمین از مقبره باوندی در طبرستان کشته شد، او به ری گریخته و مدتها در کتابخانه رستمین شهریار، از کتابهای آن منتفع و بهره‌مند می‌گردید از جمله در این کتابخانه خلیفه بن خلفه تاریخ طبرستان تألیف ابو الحسنین محمد بزدانی که بنامی بوده است دست یافته و آنرا بنامی ترجمه کرده و اسانس کار خود بر تالیف تاریخ طبرستان قرار داده است.

این کتابخانه نسیب با هجوم مغول به ری وجود داشته است. عبدالجلیل قزوینی مؤلف کتاب‌النقض نیز متذکر کتابخانه امیر غازی شده و نوشته است که نسخه اصل کتاب تنزه را در سال ۵۳۳ بکتابخانه هشتاد بردند».

۴۱ - کتابخانه اسفزاری: ابوحاتم مظفر اسفزاری از دانشمندان دوران سلجوقی است، از جمله کسانی است که با حکیم غریب‌امین نیشابوری در تدوین و تنظیم تقویم جلالی معاضدت و همکاری داشته‌اند، اسفزاری میزان ارشمیدی را برای تمیز غلغوش و عیار فلزات برای سنج ساخت و کتابهای بسیاری نیز در ریاضی و هجرات تصنیف کرد از جمله اختصار اقلیدس، رساله علوی کائنات جوی، رساله الشککه که بنام برکاتری سلجوقی نوشته، این دانشمند شهیر در اثر خدع‌المن که نسبت با گردند از غمه سال ۵۱۵ ه. ق. مرمگ شد. کتابخانه او از لحاظ داشتن نسخه‌های ارزنده و نایاب، علمی و ریاضی و نجوم کم نظیر و ممتاز بوده است.

۴۲ - کتابخانه سهلان ساوجی: زین‌الدین عربین سهلان ساوجی از اجله حکمای بنام ایران است، این دانشمند خطی زیبا داشته و نسخه‌هایی از فتاوی بوعلی سینا را می‌نوشته و بطالبان آن بعد دینار!! می‌فروخته است، این دانشمند از راه خطاطی امر از معاش می‌کرده و عشق و شوق و سعه مدرش در راه ترویج علم تا بدان حد بوده است که آنچه از راه خطاطی بدست می‌آورده صرف خرید کتاب می‌کرده و از این طریق صعب موفق به تأسیس کتابخانه‌ای عمومی می‌شود، کتابخانه او وقف عام در ساوه بوده است و اهل طلب و دانش از شهرهای دور به ساوه می‌آمدند تا از ذخائر این خزینه دانش مستفید گردند، کتابخانه سهلان سرنوشته‌های غرانگیز و کم نظیر دارد.

پس از اینکه سهلان ساوجی سال ۵۶۵ در گذشت جهات بسوگه او کتابخانه‌اش را باقتس کشیدند و سوزاندند و بسیاری از آثار خود سهلان که به‌عقل در کتابخانه بود نیز بسوخت، سهلان ساوجی تألیفات بسیار داشته از جمله کتاب المناظر در منطق و شرح رساله طبر بوعلی سینا به فارسی.

۴۳ - کتابخانه اوشیروان در کاشان: شرف‌الدین اوشیروان خاندین محمد کاشانی این دانشمند سال ۶۵۹ در کاشان پادشاه وجود گذاشت، و در سال ۵۱۷ وزارت محمود سلجوقی را بعهده داشت، و از ۵۲۶ تا ۵۲۸ وزارت مسترشد بالله عباسی منصوب گشت، اوشیروان در ادب فارسی و عربی کم نظیر و بی‌بدیل بود، از آثار او نفاذ‌المستور و فتور زمان‌الدور، را ثبت کرده‌اند که اصل این اثر از میان رفته لیکن عماد کاتب در گذشته سال ۵۹۷ آنرا بنام نصره‌المتره و عصره‌الظفره، بزبان تازی ترجمه کرده است.

این دانشمند شهیر در کاشان کتابخانه‌ای کم نظیر برپا نهاد که تا سال ۶۷۴ برجای بوده است و بنام کتابخانه اوشیروان شهرت و معروفیت داشته است.

۴۴ - کتابخانه سلطان مروزی - ابوعلی حسن بن علی قطان مروزی یکی از مشاهیر نویسندگان و پزشکان بنام ایران بود، مؤلفانی دارد از جمله کتاب‌الدوحه در انساب و کیهان شناخت

درهیات ، کتابخانه بزرگ او در مرو مرجع دانشمندان و طالب علمان ایران بود ، پس از اینکه سال ۵۳۶ شمسی را گرفت لشکریانش دست به غارت کتابخانه زدند و برسال ۵۳۸ نیز که ترکان وحشی غز بخراسان دست یافتند ، این دانشمند عالقدر را اسیر کرده و چون زیان بهیند و اندر آن آن می گشتند و از اهدا مال ناروایی که مرتکب شده بودند آنان را مذمت میکردند - آفتاب دردهاش جاک ریختند تا شهید شد .

اینگ می پردازیم به شرح مدرسه های مشهور و معروفی که در دوران سلجوقی ها کتابخانه دانشمندان و مرجع مراجع دانشمندان و محققان بوده اند .

عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص مینویسد : «اگر به تعداد مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و ماورالنهر و شهرهای شام و حلب و غیر آن و بلاد عراق چون قم و آبه و کاشان که مدارس چند است و کی فرموده است ؟ و اوقات چند دارد ؟ طومار شود و کتب خواهد . اما از برای رفع شبهت اشارتی می رود بشهر ری که منشأ و مولد این قائل است .»

۳۵ - کتابخانه مدرسه بزرگ تاج الدین محمد کیکی : این مدرسه در محله کلاهپوزان ری بود ، و بنای آنرا مبارک شرفی کرده بوده است و بنا نوشته عبدالجلیل قزوینی در سال ۵۵۶ - خود سال از تاریخ بنای آن میگذشته و هفتاد و نه بار در آنجا محضر درس علوم و موضوع مناظره و نزول عیاشان بوده است .

۳۶ - کتابخانه مدرسه شمس الاسلام حکمآباییه : بنیان گذار این مدرسه سید محمد امام کیکی بوده است و او از رجال بزرگ شیعیان است و حکمآباییه از پیران و بزرگان شیعیان می بود . و شمس الاسلام در این مدرسه محضر درس داشته است .

۳۷ - کتابخانه مدرسه کیکی : مدرسه کیکی در میان دو مدرسه حکمآباییه و تاج الدین احدی قرار داشته است .

۳۸ - کتابخانه مدرسه سید اهد ابو الفتح رازی : این مدرسه از مدارس معتبر و معروف ری بوده است .

۳۹ - کتابخانه مدرسه فقیه علی جاسبی : جای این مدرسه در ری به محله (کوی) اصفهانیان می بود و آنرا خواجه میرک بنا کرده بوده است در هنگامیکه سرهنگ ساوکنین بنای مسجد جامع جدید ری را می کرده است .

۴۰ - کتابخانه مدرسه مفید : خواجه عبدالجبار مفید بنای مدرسه و کتابخانه ای در ری کرد که در مدرسه او بطوریکه عبدالجلیل قزوینی نوشته است<sup>۳</sup> چهارصد نفر فقیه و متعلم و متکلم که از بلاد عالم آمده بودند در آنجا درس میخواندند ، این مدرسه را مفید در زمان سلطنت برکیارق ساخته بوده است .

۴۱ - کتابخانه مدرسه کروی فیروزه : از مدارس بنام شهر ری بوده است .

۴۲ - کتابخانه خانقاه اقبالی : خانقاه و مدرسه امیر اقبالی که از شیعیان بنام ری بود در عهد کریم خانی بنیان یافته بود .

۴۳ - کتابخانه خانقاه علی عصار : این خانقاه کتابخانه معتبری داشته است .

۴۴ - کتابخانه مدرسه رشید رازی : مدرسه خواجه امام رشید رازی در دروازه جابو پندان ری واقع بوده و بنوشته صاحب النقص در آن زیاد از نویست فقر دانشمند معتبر درس خواندند که همه علامه روزگار شنیدند و این مدرسه از آنچه شهرت و معروفیت یافته است ، این مدرسه و کتابخانه آن در عهد سلطان محمد سلجوقی بنا شده بوده در سال ۵۵۶ هـ . ق . معمور و مسکون بوده است .

۴۵ - کتابخانه مدرسه شیخ حیدر : مدرسه شیخ حیدر از مدارس قدیمه ری بوده

۳ - کتاب النقص ص ۴۷ .

۴ - ص ۱۶۴ .

و فردیک محله منجلی گاه جای داشته است .

۴۶ - کتابخانه مدرسه ناصر الدین : بنای مدرسه را خواجه اسمعیل مقلب ناصر الدین در دوران پادشاهی محمد سلجوقی که خراب شده بوده است باز دیگر تعمیر و معمور ساخته است بنابر این این مدرسه یکی از مدارس بسیار قدیمی شهر ری بوده است .

۴۷ - کتابخانه خواجه ابوالفضل عراقی و کمال ثابت : عبدالجلیل قزوینی مینویسد : «از جوانمی که ابوالفضل عراقی کرده است ، بیرون شهر و آنچه بهاء الدین کمال ثابت کرده است در میان شهر ، از مقصوره های با زینت و منبرهای با تکلف و مناره های رزح و کرسی علماء ، و نوبت عقود و مجالس و کتب خانه های مملو از کتب طوائف و مدرسه های معروف چون :

۴۸ - مدرسه سعد .

۴۹ - مدرسه شیر الملک .

۵۰ - مدرسه سید سعید عزالدین مرعشی .

۵۱ - مدرسه سید امام زین الدین شرف شاه حسینی که قاضی و حاکم است و مدرسه عتقلسی قاضی بنت موسی بن جعفر با اوقات و مدرسه وقتها .

۵۲ - مدرسه تقیر الدین عبدالعزیز .

۵۳ - مدرسه استاد ابوالحسن گنج .

۵۴ - مدرسه شمس الدین مرعشی کبیر .

۵۵ - کتابخانه مدرسه عبداللطیف رازی : عبدالجلیل رازی مؤلف النقص که از دانشمندان و محققان بنام شیعی است خود مدرسه ای در ری داشته که در آن درس نیز می گفته است او مینویسد «مرا در شهر ری در سن ۵۵۰ (۵۵۰) روز آینه بعد از نماز مدرسه بزرگ خود نوبت بوده<sup>۴</sup> .»

۵۶ - کتابخانه مدرسه رجویه : از مدارس نامی دوران سلجوقیان در دوران بنی بوده است<sup>۵</sup> .

۵۷ - کتابخانه فتحیه درورامین : این کتابخانه منضم بمدرسه فتحیه بوده است<sup>۶</sup> .

۵۸ - کتابخانه مدرسه حقوقیه : این کتابخانه تا سال ۵۵۶ در کاشان دائر بوده است و یابی آن صفی الدین کاشانی بود .

۵۹ - کتابخانه مجدییه : کتابخانه مدرسه مجدییه تا هجوم مغول در کاشان معمور بوده است .

۶۰ - کتابخانه مدرسه شرقیه کاشان : از مدارس معتبر و معروف دوران سلجوقی و مورد توجه شیعیان ایران بوده است .

۶۱ - کتابخانه عربیه کاشان : این کتابخانه منضم بمدرسه عربیه و از مراجع مهم شیعیان بوده است .

۶۲ - کتابخانه مدرسه عز السلکی در آبه : آبه و ساوه از مراکز مهم شیعیان در قرن ششم بود و مدرسه عز السلکی شهرتی در ایران داشت .

۶۳ - کتابخانه مدرسه عربشاهی در آبه : این مدرسه نیز از جمله مدارس معروف شیعیان ایران می بود .

۶۴ - کتابخانه هنجوی قنی : زین الملک ابوسعید هنجوی قنی مدرسه قانی محمد و ژان را در قم بنا کرد و جنب مدرسه کتابخانه ای نیز فراهم آورد که بنام او شهرت گرفت .

۶۵ - کتابخانه مدرسه قزل ارسلان در همدان : بنوشته زاوندی سلطان قزل ارسلان و مادرش در همدان مدرسه عالی ساختند و خواجه امام صفی الدین اصفهانی مدرس آن بوده است<sup>۷</sup> .

۶۶ - کتابخانه علی بن مطهر دمری : حجت الدین فرید خراسان ابوالحسن بهیقی مؤلف

۶ - النقص ص ۱۰۲ .

۷ - ۸ و ۷ - راجع به این مدرسه رضی الدین ابوسعید بوده است النقص ص ۲۲۶ تعلقات بر دیوان قوام رازی .

۸ - النقص ص ۱۶۴ .

۹ - راجع به این مدرسه ص ۳۰۰ .

تاریخ بیقی و لباب الانساب و بسیاری کتب دیگر، در کتاب لباب الانساب خود آورده است که در تحریر لباب الانساب که به دستور قیاب خراسان تألیف آن پرداخته بود بنسبت از میان رفتن کتابخانه های نیشابور بزمخت و حرارت می یافت. بیقی می نویسد: «در این روزگار پر آشوب که کتابخانه در نیشابور سلبه و کسی نیست که نسبت خود را بدان تألیف بنسبت اولاد رسول تألیف این کتاب میسر بوده و سپس متذکر است که از کتابخانه دولتی داشتند بنام درمرو خوانسته است در تألیف از خود توفیق یابد این دوتن یکی حسن بن محمد بن علی بن عثمان طبیب مؤلف کتاب النبوچه و کتب نسب<sup>۱۱</sup> و دیگری شرف ابوالحسن غنی بن عظیم بوده است. بنا به تصریح بیقی کتابخانه منظر از کتابخانه های معروف و معتبر مرو بوده است.

۶۷ - کتابخانه ابن شهر آشوب: رشیدالدین ابو جعفر محمد بن علی از اعظم دانشمندان و علمای شیعی ایران است، او از مردم مازندران و اقامت گاهی ساری بود. سال ۵۸۸ در در شهر حلب درگذشته است. تألیفات متعدد دارد از جمله مناسبات النواصب المغزوب المذکور، المال فی الامال، او شرف نیز می سرود و در علم اخبار و رجال و تفسیر از مشاهیر است. در ساری کتابخانه ای عظیم فراهم آورده بود و چون سلجوقیان متعرض شدند و خوارزمشاهیان بر شیعیان سخت میگردفتند در پایان عمر هجرت کرده و به حلب رفت و در آنجا درگذشت. از سرنوشت کتابخانه او اطلاعی در دست نیست.

۶۸ - کتابخانه بیقی فریبی: فرید خراسان ابوالقاسم حسین بیقی، مؤلف آثار تاری گراقد در انساب و تاریخ بیقی در مقدمه کتاب جامع احکام النجوم اشاره به ماخذی که در تألیف خود بدانها مراجعه و استفاده کرده اشاره میکند و از فهرست این کتابخانه نامت کتابخانه او منقود است.

۶۹ - کتابخانه شاذان قبی: ابوالفضل شاذان قبی از بزرگان و دانشمندان شیعی است که سال ۶۱۸ درگذشته. او در مدینه کتابخانه بزرگی فراهم آورده که مرجع دانشمندان شیعی بود، شاذان تألیفات بسیار دارد که در معجز البلدان و تاریخ بیقی فهرست آنها بدست داده شده است.

۷۰ - کتابخانه طغرل تکین: امیر افشار طغرل تکین از امرای سلجوقی و امیر لرستان بوده است. تاش ابو سعید بزرگین بزرگ و از امرای دولت سلطان محمود بن محمد ملکشاه سلجوقی است که در حدود لرستان و خوزستان فرمان میراند و حکومت ایشان را حکومت بزرگان میگویند. چند آنها برق کبیر بوده است که سلطان سنج سلجوقی با کتک او به خراسان دست یافت و دویز این خدمت حکومت لرستان و خوزستان بر او تعلق گرفت. کتابهایی در کتابخانه های خصوصی هست که پیشتر در دستش که نخست آن در میان تریج دارالکتب افشار طغرل تکین ثبت است و میرساند که این امر کتابخانه ای قبی داشته است.

۷۱ - کتابخانه شجری در نیشابور: محمود بن ناصر النجری درگذشته سال ۶۷۷ در کنار مسجد عقیل نیشابور مدرسه ای ساخت و کتابخانه ای نیز در آنجا بنیاد نهاد که کتب آن از ناس کتابهای زمان بوده است. شجری در بنیاد نیز کتابخانه ای تأسیس کرد.

۷۲ - کتابخانه شجری بغداد: چنانکه گفته شد بانی آن ناصر النجری سال ۶۵۷ بوده است.

۷۳ - کتابخانه رباط خانونی سلجوقی در بغداد: این کتابخانه در قسمت غربی بغداد بوده و آثار خانونی خلطی سلجوقی ساخته بود و سال بنیاد آنرا ۵۸۹ نوشته اند.

۷۴ - کتابخانه ابوالفضل کندی: عبدالملک ابوالفضل کندی وزیر با تدبیر سلطان قزلر و آقا ارسلان سلجوقی مقتول سال ۶۵۷ - ابوالنسر این کتابخانه را در سال ۶۵۰ ه. ق. در بغداد ساخت و کتب نفیس این کتابخانه بیشتر متعلق به کتابخانه ارشد وزیر بوده است. ارشد وزیر نیز از وزرای کاروان ایرانی است که او هم کتابخانه ای مهم و عظیم فراهم آورده بود.

۱۱- کتابخانه فلان مروزی را در نسخه پیش معرفی کرده ام.

# فرسنگ و دستینار علم و عمل بلبلر کتابدار و ترمیم آثار هنر

(۱)

چگونه با کلمات اشعه میتوان بی پرد که اثر هنری را قبلاً تعمیر کرده اند؟

کدام دسته از حشرات باشیاء هنری آسیب میرسانند؟ برای مبارزه با آنها چه باید کرد؟

دکتر جاوید فیوضات

اشعه ایکس یا اشعه مجهول: (X Rays - Rayons X)

اشعاعیت غیر قابل رؤیت که قابلیت نفوذ خیلی زیادی دارد و از اغلب اجسامی که اشعه معمولی نمیتواند عبور کند (اجسام کدر) عبور می نماید. از اینرو در پزشکی از این اشعه برای عکسبرداری از قسمتهای داخلی بدن انسان استفاده میکنند زیرا برخلاف اشعه معمولی از پوست و گوشت باسانی عبور کرده ولی از استخوان که نسج فشردهتری است بزرخت عبور نمی نماید. در نتیجه سایه استخوانها روی صفحات حساس شیشه ای عکاسی بوسیله اشعه X مودار میشود.

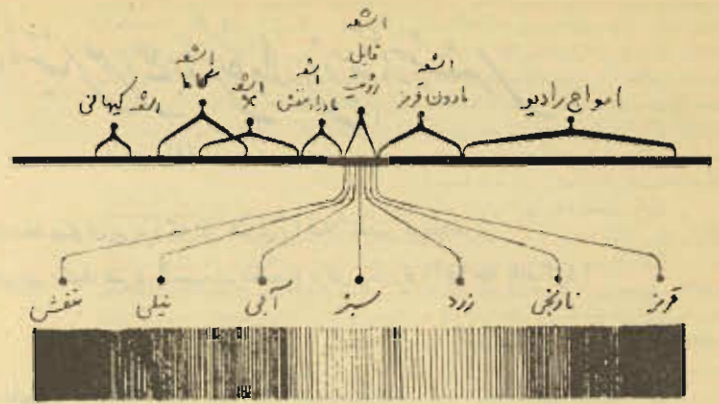
در موزه ها و آزمایشگاههای وابسته بدانها از این اشعه در موارد مختلف مثلاً آزمایش نقاشیهای رنگ روغن و اشیاء پر ارزش دیگر استفاده میکنند. چون این اشعه قابل رؤیت نیست لذا اگر شخص ندانسته مدت زیادی در معرض تابش آن قرار گیرد یعنی از سوخ بدن او تباخ خواهد شد لذا کسانی که دائماً با این اشعه سروکار دارند باید از لباس و عینک مخصوص استفاده نمایند.

اشعه مادون قرمز (Infra Red Rays - Rayons Infra Rouge)

اشعاعیت غیر قابل رؤیت که بیشتر از خاصیت حرارتی این اشعه در موارد مختلف استفاده میشود ولی چون میتواند از میان مه عبور کند لذا در اغلب فرودگاهها نیز منبع تولید کننده این اشعه وجود دارد. در آزمایشگاهها از این اشعه برای آزمایش نقاشیهای رنگ روغن قدیمی مخصوصاً آنها که بعداً بوسیله ورنیهای نیمه شفاف مرمت شده اند استفاده میگرد.

اشعه ماوراء بنفش (Ultra Violet Radiation - Rayons Ultra Violet)

اشعه غیر قابل رؤیت میباشد که امروزه برای تشخیص آثار هنری نقلی و مرمت شده یا حتی «استکاری» شده بکار میرسد و چون دستگاههای تولید کننده این اشعه نسبتاً ارزان قیمت میباشد لذا تهیه آن برای موزه ها و گالریها بخواهند آثار هنری مورد علاقه خود را قبل از خرید آزمایش کرده و از اصالت آنها مطمئن حاصل نمایند از اوازم شوره میشود. این اشعه را در زبان عامیانه «اشعه سیاه» مینامند زیرا چنانچه در بالا گفته شد قابل رؤیت نمیشد ولی صفحات عکاسی نسبت بآن حساسند و به همین وسیله میتوان بوجود آنها بیبرد. دستگاههایی که بنام آرک الکتریک (Electric Arc) نامیده شده و بیشتر در پزشکی مورد استفاده میباشد مقدار زیادی از این اشعه همراه اشعه قابل رؤیت تولید مینمایند. در آزمایشگاهها این اشعه را با عبور دادن جریان برق از لامپهایی که درون آنها از بخار جیوه پر شده است تهیه میکنند در نتیجه مقدار زیادی



طیف امواج الکترومغناطیس

اشعه ماوراء بنفش همواره مقدار کمی اشعه قابل رؤیت (نور معمولی) (الزاماً خارج وساطع میگردد که با گذاردن فیلترهای (صافی‌های) مناسب از اشعه‌های رنگین و با گذاردن یک لایه لامپ و جسم مورد آزمایش مانع عبور و تابش نورهای معمولی میشوند. فیلترهای معمولی تجاری مانع از عبور تمام اشعه قابل رؤیت نیستند اما خوشبختانه این نقص در اغلب موارد اشکالی تولید نمی‌نماید. یکی از خواص اشعه ماوراء بنفش اینست که اگر به بعضی اجسام تابانیده شود سبب فلورسانس آنها میشود یعنی نور قابل رؤیتی رنگهائی از آنجا تا سبز که مربوط به جنس جسم میباشد از آنها ساطع خواهد شد. در هنگام آزمایش تا بلورهای نقاشی با این اشعه فلورسانس رنگهائی که در هنگام مرمت نگارخانه بطور آشکار با فلورسانس رنگهائی قدیمی و اولیه تابلوی نقاشی همایت داشته و این اختلاف بقدری شدید است که گاهی سبب اعجاب میشود. همچنین مرمت شدگی اشیاء چینی نقاشی شده با کدنگاری روی استخوان و عاج را با نیوسیله میتوان باسانی کشف کرد. اشیاء برزی را پس از مرمت معمولاً جوش میدهند و قسمت‌های جوش شده را با قشری منتهوی که ظاهراً قابل تشخیص با سایر قسمتها نیست می‌پوشانند با وجود این با تاباندن اشعه سیاه تضاد میان فلورسانس قشرهای قدیمی و جدید بسیار کمی آشکار میگردد. در مورد اشیاء یافته شده اعم از پارچه یا فرش نیز عیباً ترتیب فوق عمل میشود. همچنین برای خواندن نوشته‌های پاک شده یا شسته شده این اشعه را بکار میبرند مخصوصاً در آزمایشگاههای پلیس از این اشعه برای کشف چکها و اسناد جعلی و دستکاری استفاده شایان میشود.

اگر در کتب خطی یا نقشه‌ها و نقاشی‌ها «دست برده» و ترمیمی چه از لحاظ وصله کردن کاغذ و چه از نظر ترمیم خطوط و نقوش تازه بعمل آورده باشند انجام عمل هر چند در هم ماهرانه انجام گرفته باشد باز بسبب اختلاف فلورسانس قطعات کاغذ و یا مرکب و رنگها قسمتهای مرمت شده باسانی از قسمتهای قدیمی و اصلی قابل تشخیص خواهد بود حتی این اختلاف در مورد قطعات چوبی و عاجی تازه و کهنه نیز مشاهده میشود باید یادآوری کرد که فلورسانس نقاشیهای رنگه روغن قدیمی اگر چه دستکاری هم نشده باشد بکاوخت نیست و برای تشخیص اینکه اختلاف



لامپهای اشعه مادون قرمز

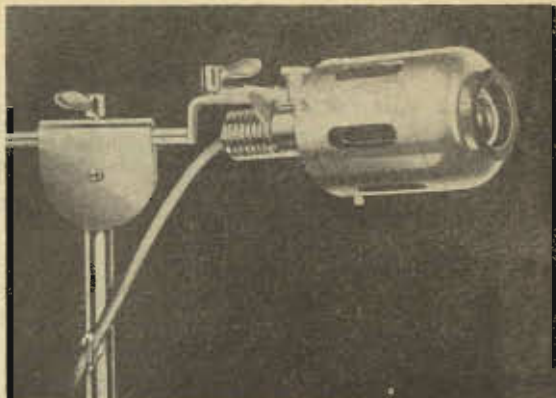
حاصل مربوط به رنگهای تازه بوده و یا چنانچه گفته شد اصولاً مربوط به یکنوکی رنگ آمیزی نابود میباشد بختگی و تحارب شخص آزمایش کنند برای تفسیر نتایج آزمایش کمال اهمیت را دار خواهد بود بطور کلی میتوان گفت که فلورسانس آثار کهنه رنگه بنفش قهره بوده در صورتیکه قسمتهای کهنه رنگه و ترمیم شده باشند نمود آشکاری روشن تر بنظر خواهند رسید و فلورسانس و نورهای قدیمی نیز غالباً زردی متشابهت میباشد.

آفت حشرات (Insect Pests)

مهمترین حشراتی که اشیاء هنری خسارت وارد میکنند عبارتند از بیله، گرم گناب و مورچه. باید ملاحظه داشت که غالباً نوزادان حشرات که لارو (Larve) نامیده میشوند اشیاء مورد علاقه خود هجوم برده و سبب خسارت و زیان میشوند.

بیله (Mite - Moth)

لارو این حشره بیارجمتهای پشمی و هر نوع اجناس یافته شده از پشم و همچنین خز پوست حیوانات و پر و مو آسیب میرساند و مشاهده حشره بالغ با لنز بزرگ موجود کوچک است رنگ سفید مایل به خاکستری بهترین دلیل آلودگی بوده و باید بلافاصله از راه صحیح شروع به مبارزه نمود. از نشانه‌های بیسورت فلس یا کوله که همین منظور تهیه میشود بخواهی میتوان برای پیشگیری استفاده کرد بشرط آنکه در قسمتها و مشوقهایی که نتالین پاشیده میشود تهیه انجام نگردد. استعمال بویکه پشمی یا تکابدن و سایر ترکیب فرخها اگر در فواصل مناسب و نزدیک بهم انجام گیرد با احتمال زیاد مانع از «بیدخوردگی» میشود. در مورد اجناس یافته شده باید در قسمتها یا صندوقها گذارده شود مناسبترین راه اینست که هر قطعه را بدو بار بزداید کرد و درون قفسه یا قوطی کوچک مستوی پارای کلرو پترن که حساس است سفید رنگ و سموت فلس و در تجارت بطور خلاصه Para - Di - Chlor نامیده میشود بگذارند. این ماده که بوی نسبتاً مطبوعی دارد بتدریج تصعید شده و مانع از فعالیت بیله میشود. اشیاء موزهها مخصوصاً آنهاست که دارای پر و موی حیوانات هستند بیشتر مورد هجوم این حشره واقع میشوند و باید مرتباً



نونهای از دستگاه اشعه ماورا بنفش

شد از نو شروع میگردد. شکل بالغ حشره در حدود ۶ میلیمتر درازا دارد و حشره ماده هر دفعه در حدود بیست و چهار تخم میگذارد (مراحل مختلف تکامل حشره را از تخم تا شکل بالغ در *Metamorphoses* مینامند) چوب گز در بیش از سایر انواع چوب مورد هجوم این حشره واقع میشود. جویهای سختتر مانند چوب ماهون (آکازو) و بلوط کمتر مورد حمله قرار گرفته و در صورت هجوم حشره قسمت آلوده شده بسیار محدود خواهد بود همچنین قسمتهای نرمتر بیشتر از مقر چوب که محکمتر است آسیب میبیند زیرا نوزاد حشره قسمتهای سختتر را بیشتر ترجیح میدهد. مشاهده سوراخهای تازه و مخصوصاً وجود ذرات چوب شبیه بخاک آرز بسیار نرم دلیل فعالیت حشره میباشد و برای بدین این ذرات کافیت ضریبات آهسته‌ای چوب آلوده وارد نمود تا بقدر زیاد از سوراخهای تازه جفر شده بهارج ریخته شود. برای معالجه جویهای آسیب دیده باید آنها بقدری بیک مخلول حشره کش آغشت تا اطمینان حاصل شود که نارو شمام سوراخها نفوذ کرده و همچنین بقدر کافی جذب بلولهای چوب شده است - بهترین دارو را بوسیله یک سرنگ بیک باک سوراخها تزریق کرد - چون اغلب ناروها نمیتوانند در یک وهله تخمهای حشره را از بین ببرند لذا لازم است بعد از چند هفته عمل تکرار شود. سولفور کربن حشره کش بسیار خوبی است ولی دومیب بزرگش کار کردن با آنرا با اشکال مواجه میباشد: مساعد شدن بهارهای مشر بدبو و قابلیت اشتعال زیاد. برای اجتناب از هر گونه خطری لازم است آنرا در هوای آزاد یا محلی که دارای تهویه خوب است بکار برده و دقت کرد که هیچ نوع شعله یا آتش در نزدیکیهای محل کار نباشد. تزریق محلول آبی یا الکلی بوسیله در سوراخها نتایج خوبی میدهد و پس از تزریق باید سوراخها را با مخلوطی از موم و تریپتین به برگرد ممکنست در نتیجه این عمل رنگ چوب آسیب ببیند - مواد حشره کش زیادی نیز بازار عرضه میشود که اغلب برای این منظور مفید میباشد - یعنی اوقات خسارت بقدری بیشترت میکند که چوب کاملاً «پوک» شده و آنچه باقی میماند عبارتست از تعداد پشماری سوراخهای بیخبردیج که بوسیله دیوارهها و تیفه‌های بسیار نازک و کم مقاومتی از یکدیگر جدا شده اند. این نوع آفتزدگی بیشتر نریشیا تیکه از چوب گردو ساخته شده اند و نرمیم آن نیز بستگی بنوع استعمال شیش دارد مثلاً در مورد سنبلیله‌های چوب گردویی که هنوز مورد استفاده میباشد چاره‌ای جز تمویش قسمتهای آسیب دیده و کم مقاومت نیست ولی در مورد اشیاء تریشینی و «نایش» که جز الامکان باید قطعات اصلی و اولیه آنها حفظ گردد میتوان با آغشتن به پارافین (جسم شیمیایی که در حرارت ۵۰ تا ۶۰ درج میپزد) تا اندازه‌ای مقاومت آنها افزوده و حتی در بعضی موارد از تکیه گاهها و وسایل «غیر مزاحم» نیز برای تقویت چنین اشیائی استفاده کرد. بهرحال در صورت مشاهده «موریانه خوردگی» در یک شیشی باید بلافاصله مبارزه بوسیله آن اقدام شود در غیر این صورت با احتمال زیاد سایر اشیاء چوبی نیز زودی آلوده میشوند.

این حشره ممکنست بکتابها و اشیاء کاغذی از هر نوع (موادی که از نقر شیمیائی دارای سلولز میباشد) حمله کرده و خسارت قابل ملاحظه‌ای بآنها وارد آورد. بخور نفتالین سولفور توکربن، پارادی کلرو بنزن در اطاق یا محفظه بسته بهترین راه مبارزه در این مورد بشمار میآید. بعضی حشرات که از نقر سلولز بندهی جز، خانواده سوسکیا بشمار میآید بجویهای ساخسانی مخصوصاً برهای چوبی مقصدها آسیب میزنند و کمتر دیده شده که این نوع حشره به میلهها و اشیاء منقول چوبی حمله نماید. صدای این حشره مخصوصاً در فصل جفت گیری بسیار صدع و گوش خراش میباشد همین جهت با سانی میتوان بوجود آن پیبرد. برای مبارزه باید قطعات چوبی را به تریپتین یا کرو زوت آغشت یا با سولفور توکربن بخورداد. باید در نظر داشت که معمولاً چوب سفید یا «کنده» و قطعات چوبی مختلف که بعنوان سوخت یا سایر مصارف وارد خانه یا موزه میشود ممکنست حامل این حشرات بوده و مسبب آلوده شدن سایر اشیاء چوبی گردد. بنابراین در نمایشگاهها و موزه‌هاییکه دارای اشیاء چوبی زیادی میباشد لازم است هر نوع چوبی که وارد محوطه موزه میشود قبلاً بدقت بازید گردد تا از آلودگی احتمالی جلوگیری شود.

از طرف موزه داران بازید شوند.

گرم کتاب (Silver-Fish)

این حشره میتواند خسارات قابل ملاحظه‌ای بکتابها و شیرازه و جلد آنها، اوراق چاپی و نقشها و بطور کلی باشیاء کاغذی وارد آورد. بعضی مشاهده حشره لازمست مبارزه چندی برخیه آن اقدام شود. بهترین طریق به خوردن بوسیله پارادی کلرو بنزن یا بوسیله سولفور توکربن میباشد. ماده اخیر مایع بیرنگه بدبوئی است که بصورت خالص در آب حل نمیشود ولی با الکل و اتر قابل اختلاط است. حلال خوبی است برای چربیها، موم، رزینها، گواگرد، بند، کائوچو و بالاخره قفسر سمید. ماده ایست بسیار قشرا و بسیار قابل اشتعال و بخاراتی از آن متصاعد میشود که برای تنفس خطرناک میباشد - برای مصارف حشره کشی مقدار کمی روغن کرچک بدان اضافه میکنند تا بتواند با آب مخلوط شود - بهرحال چون کار کردن با آن خطرناک میباشد لذا بهترینست اشخاص مجرب در آزمایشگاههای مجهز بکار برند.

موریانه (Wood-Worm)

این حشره را در اغلب کشورها بنام «گرم چوب» می‌شناسند و موزیانه بجزه‌ای اطلاق میشود که در مناطق گرم و مرطوب بطور اجتماعی زندگی کرده و آفت عظیمی برای چوب بشمار میآید. بهرحال «گرم چوب» که بر ایران آنرا بنام موریانه می‌شناسیم در قطعات بریده شده درخت «چوب» لانه کرده و زندگی می‌نماید. این حشره اگر بالغ باشد می‌تواند پرواز نماید و در این حالت قادر است باشیاء چوبی منازل حمله کند. حشره ماده دوست دارد که در کتابها و درزهای میلهها و پوشش چوبی سفتها و دیوارها تخم گذاری نماید. و نوزادان Larve آنرا از چوب تغذیه می‌نماید و باین منظور سوراخهایی بشطر خریبی ۱/۵ میلیمتر و یا درازاهای مختلف در چوب حفر می‌کنند. این مرحله در حدود دو سال بطول می‌انجامد و بعداً حشره بدوره ما قبل از بلوغ Pupal وارد شده و بالاخره بصورت بالغ در میآید و مراحل زندگی مانند آنچه در بالا گفته

# «سکس نامی نوروز»

روستاییان باگل و سبزه سرودخوانان بشهر می‌آیند تا ورود نوروز را باهالی شهر بشارت دهند.

«چایر عناصری»

«از انتشارات اداره فرهنگ عامه»

مردم متدین روستاهای شهر اردبیل را بخود مشغول ساخته که حتی برخی از رسوم باستانی را نیز به علی (ع) و اولاد او نسبت میدهند. نه تنها در حکنده‌های مجاور بلکه در خود شهر اردبیل نیز اغلب مردم معتقدند که:

«در نخستین روز سال نو، امیرالمؤمنین علی در عالم عرش بر تخت سلطنت جلوس کرده و برگزین زید لعین لگام میزند. در این روز نو شریکهای شیرین و گوارا بجای آب در جویهای بهشت روان میشود و در حرم قس الهی دوستداران علی (ع) و یاران حسین (ع) و دیگر پیشوایان دینی شاهمانی می‌کنند، چه نکه مولای مؤمنان بر یزید و هوادارانش که از پستترین موجودات شناخته شده‌اند، غلبه می‌کند. در این هنگام در آن عالم علوی، جبرئیل پیک نوروز است و قاضی حلول سال نو، رؤفی که جبرئیل پیام نوروز را به حضرت محمد (ص) میرساند، پیغمبر خدا از درگاه باری تعالی مثلت مینماید تا این سال نو بر بندگان راستین او مبارک باشد.»

روستاییان میگویند:

«ما نیز باید به تاسی از آن عالم، شاهمان باشیم و جامعه نو بپوشیم.»

در این موقع از سال پدران و مادرائی که بیضاعت چندانی ندارند برای امیدوار کردن خود و کودکانشان میگویند که: «عد نوروز از آن عالمی است و او هرگز مارا مایوس نخواهد کرد.»

عصب این است که این مردم ساده دل با تحمل هرزحمتی و سایل سال نو را تهیه می‌کنند و آنچه را که فراهم می‌آورند، موهبتی میدانند که از طرف شاه مردان علی بر آنان نازل شده‌است. اما دربارهٔ پیک‌های نوروز:

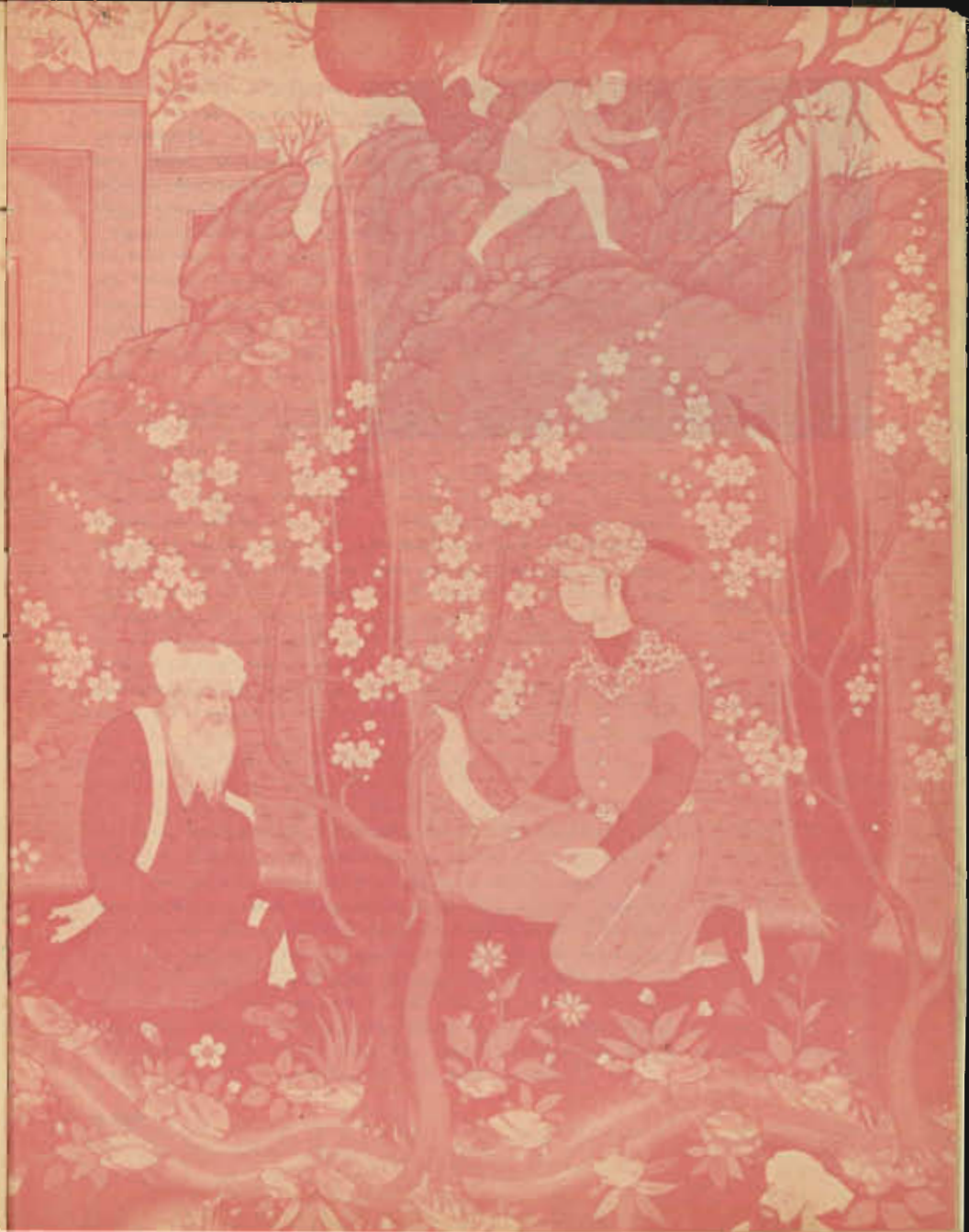
یکی از جشن‌های دیرینهٔ سرزمین ما که نشانه‌ای از شکوه و عظمت کشور کهنسال ما است، عید نوروز است. این جشن با وجود گذشت قرون و اعصار هنوز هم اصالت خود را حفظ کرده و در سراسر کشور مخصوصاً در حکنده‌ها و کوهپایه‌های وطن ما با شکوه و جلال بیشتری برگزار میشود.

این مقاله تحقیقاتی است که در زمینه اعتقادات روستاییان ساده دل اطراف شهرستان اردبیل در خصوص چهارشنبه سوری و عید نوروز انجام گرفته و در آن از توصیف و تشریح جزئیات آداب و رسوم این جشن‌ها تقریباً صرف نظر شده است.

این روستاییان پیش از فرارسیدن نوروز، پیک‌هایی بنهر میفرستند تا حلول سال نو را با ترانه‌هایی که میخوانند به مردم تهنیت بگویند و در ضمن آن مثلث این سنت را که رنگ مذهبی به آن داده‌اند و عقاید خود را در بانه اینکه از چه زمان مراسم چهارشنبه سوری و جشن نوروز بر جای مانده است، بیان نمایند. روستاییان اطراف شهر اردبیل، چهارشنبه سوری را به امیر مختار تقی نسبت میدهند و معتقدند:

«هنگامیکه مختار به خونخواهی «حسین بن علی» (ع) قیام کرد، دستور داد بر پشت بامها آتش بیفروزند تا با این آتش باران حسین (ع) آنگاه شود که قیام مختار شروع شده است و در میدان‌های شهر گرد هم آیند و نیزه را آغاز کنند.» عقیده دیگرشان اینست که چهارشنبه سوری را یاه‌گار پیروزی مختار در دشمنان حضرت حسین (ع) میدانند و میگویند: «وقتی که غلبه بر خصم پایان یافت، امیر مختار دستور داد که بنشان این پیروزی در پشت بامها آتش بیفروزند و سرور و شادمانی کنند.»

علاقه به علو بن ابعالیات و محبت به آل علی تا جایی فکر





آن در حالیکه در سینه بزرگی شمع چند روشن کرده  
و نقل و نباتی ریخته و سبزه و تنالی از حضرت علی (ع)  
گذاشته اند. پدر خانه ها می آیند و ترانه های میخوانند  
و ده به میگردانند

گفته شد که روستاییان اطراف شهر اردبیل هنگام سال نو  
بیکهائی شهر میفرستند تا به خواندن ترانه های حلول سال نو  
را به مردم تبریک بگویند.  
اردبیلیها این بیکها را بیکها و یا شگون آور میداند و با نقل  
و شیرینی از آنان پذیرائی می کنند.  
بیکها در حالیکه یک سیم بزرگ درست دارند و در آن  
شمع روشن کرده و نقل و نباتی ریخته اند و سبزه های و تنالی  
از حضرت علی (ع) گذاشته اند. پدر خانه ها می آیند و ترانه های  
می خوانند.  
بعضی از بیکهای نوروز که آنان را «تکچی» می نامند  
با عربسکی به نام «تکّه» به شهر می آیند و با تکان دادن آن،  
سرودها و ترانه های درتوسیف چهارشنبه سوری و عید نوروز  
می خوانند.

«تکچی» ها وقتیکه شهر می آیند، گوشتی قاصدی  
بزرگ هستند از زمین های دورست که فقط پیام آور نوروزند.  
در آن روزها از هر گوی و بیزنی که بگذرند، «تکچی» ها را  
بالباسهای محلی خواهند دید که کودکان نوروزشان را گرفته  
و چشمه هایشان را به «تکّه» آنها دوخته اند و به ترانه هایشان  
گوشت میدهند.

«تکچی» ها چنان بنظر میرسند که زودتر از اردبیلی ها  
از فرارسیدن سال نو آگاه شده اند و رسالت دارند که فرارسیدن  
نوروز را به اهل شهر اطلاع دهند.  
در این هنگام عیار «تکچی» ها و روستاییان را نیز در

شهر خواهید دید که شاید برخی از آنان هیچ روزی از سال را  
بشهر نیامده باشند مگر در این زمان که از دامنه های سیلان شهر  
اردبیل رو آورده و در کینه های بزرگه، گلهای صحرایی و گل  
نوروز و سبزه های که مختص دامنه کوهها و کشتیجات با خود  
همراه می آورند. این روستاییان که «پملیکچی» نامیده  
میشوند هر چند نفر با هم هم آواز میشوند و بی دردی میگویند:  
«سبزی های نورس دامنه های سیلان را آورده ایم» و در  
راه خود در هر خانه ای را می گویند و اشعاری در وصف نوروز  
میخوانند و دستهای از گل نوروز با کمی سبزی برای هفت سین  
به خانواده ها میدهند. هر خانواده اردبیلی نیز هدیه ای به آنان  
می بخشند و «پملیکچی» ها با دیدن هم آواز شده، راهی  
کوچه و پس کوچهای شهر میشوند.

دستانهای دیگر از بیکها، تخم مرغ رنگ کرده با خود  
بشهر می آورند و بهر خانه ای مراجعه می کنند و تخم مرغی میدهند  
و مقداری قند و جای و خوراکی میگیرند. و گاهی هم بجای  
اینکه تخم مرغ را رنگ کنند، با بیخهای ابریشمی قالی  
بر تخم مرغ می پوشانند. (ذوق و سابقه روستاییان در یافتن این  
قالیها و تکرار کردن آنها با بیخهای ابریشمی قابل تحسین  
است.)

۱ - «تکّه» عربسکی است بیشتر به شکل در، که از نخل میسازند  
و آنرا با آینه و رنگ باره های از فرش و گلیم و با نخدهای مختلف زینت  
می کنند و سپس از نو بر آن می چسبانند و بی از مرغ و خروس و مرغ  
آن می گذارند. این عربسکها را «تکچی» گویند.

۲ - پملیک - خشک - یکی از سبزه های صحرایی.



راست: «تکچی» ها «تکّه» را به حرکت در می آورند و اشعاری درتوسیف چهارشنبه سوری و عید نوروز میخوانند. چپ: گاهی بجای  
استکه تخم مرغ را رنگ کنند با بیخهای ابریشمی و با نش های جانب قالی بر تخم مرغ می پوشانند

است و هر یک نشانه ای از هنرمندی زبان روستایی است).  
گاهی بیکها دامنه های اسپند را که از چند رشته نخ  
گندرنده اند و دهانه ای بر آن آویخته اند به اهل شهر از معان  
می آورند و در این سال نو از چشم زخم در میان باشند. روستاییان  
برای این نطفه اهمیت زیادی قائلند و اگر بخانه هایشان بر روستاها  
بروین زینت دیوارهای اطاقشان همین اسپندهای برنخ کشیده  
شده است.  
دیگر از بیکهای نوروزی که باید نام برد، ماهی فروشهای  
دوره گردند که نوسه روز پیش از عید با سبدهای از رودخانه های  
مجاور شهر اردبیل ماهی های کوچکی صید می کنند و در  
مظله های میریزند و به اردبیل می آورند. آنان در اشعاری که  
میخوانند مرتب ذکر می کنند که:

«حلول سال نو نزدیک است - ماهی سفید عید را  
فراموش نکنید».

اهالی اردبیل با کمال رغبت به بیکهای نوروزی کمک  
می کنند، چون معتقدند که همه بیکها شگون آورند و برکت  
نوروزی را با خود به شهر و خانه ها می آورند.

این بیکهای نوروزی را شما فقط در اواخر اسفندماه  
و دوسه روزی به عید نوروز مانده خواهید دید. آنان با پولهای  
که بعنوان هدیه از اردبیلی ها گرفته اند نقل و نبات و خنکبار  
نوروزی و لباسهای نو میخرند و چند ساعتی به تحویل سال نو  
مانده به دهکده های خود بازمی گردند. در این هنگام گوشتی  
وسالت بزرگ خود را به پایان رسانده اند چون سرعت راهی  
زادگاه خود میشوند. سبزه ها را در جویهای آب انداخته و «تکّه»  
را در کسه خود می گذارند چون دیگر تا سال آینده «تکّه»  
و قیفه ای ندارند.

اهالی اردبیل همواره در تبریکهای عید چشم به راه  
«تکچی» ها و دیگر بیکهای نوروز هستند. چون میدانند





گاهی پیشه‌ها دانه‌های اسید را که از چند روزه نیک‌گرا نشاندند و دنیا بدان آورند برای اهالی غیر اربغان می‌آورند تا در سال نو از چشم زخم درمان باشد.

هر زمان که بنهریباید یا به خودیا برای برگزاری مراسم نوروز آماده کنند، البته نباید تصور کرد که حرفه آنان نکندی و سؤال است بلکه این رسم است و آنها بجای آوردند این رسمند. در روز خورزترانه‌هایی که این بیک‌ها بخوانند به گویش آذربایجانی آورده شده و به فارسی ادبی ترجمه شده است. باشد که از مطالعه اصل این ترانه‌ها که سالهای سال است سینه به سینه از دهان‌ها بهم رسیده است به اعتقاد مردم ساده دل و متدین روستاهای شهر ازبیل مرموره چهارشنبه صوری وعید نوروز بیشتر بپرده شود.

بهار آمد . بهار آمد . خوش آمد  
 علی با ذوالفقار آمد . خوش آمد ،  
 سیزون بو تازہ با براموز مبارک  
 آیتوز ایلتوز . هفتوز . گونوز مبارک  
 حساب جبرئیل نامه گشودنی  
 گشتر چگس پیغمبره هسردی

«مبارک قولتلارن کتوب گونوردی»  
 سیزون بو تازہ با براموز مبارک  
 آیتوز ایلتوز . هفتوز . گونوز مبارک  
 امیرالمؤمنین سخته چخاساح  
 یزیدون بوشتا بوختا وراجاح  
 «سیرین شربت سویرینه آخاج»  
 سیزون بو تازہ با براموز مبارک  
 آیتوز ایلتوز . هفتوز . گونوز مبارک  
 امیرالمؤمنین مولای قنبر  
 مپوشوز دولوله یاشدا قنبر  
 سیزون بو تازہ با براموز مبارک  
 آیتوز ایلتوز . هفتوز . گونوز مبارک  
 ایکندن ایله بو با برامی دیکتر  
 یوزوزانی سیدی رنگه یوزاکاز  
 دولتنس سازه با سار گیلگر  
 کاسیبار کهنه با کاری یوزوب گیلگر  
 «امیر مختار رحمت دیکتر»  
 دغسلاردا اوت یاندرونی  
 توپ فشک لیر آتاکاز  
 «امیر مختار رحمت دیکتر»

ترجمه فارسی ادبی  
 بهار آمد . بهار آمد . خوش آمد  
 علی با ذوالفقار آمد . خوش آمد .  
 عرب نوروزشدا مبارک - ماه و سال و هفته و روزشدا مبارک  
 جناب جبرئیل نامه آورد - به محض آوردن به پیغمبر رسانید  
 «پیغمبر ما زوان مبارک خودا به آسمان بند کرد»  
 عید نوروزشدا مبارک - ماه و سال و هفته و روزشدا مبارک  
 امیرالمؤمنین برضت جالس خواهد کرد - برگردن یزید لگام  
 خواهد زد .  
 «شربت سیرین بجای آب روان خواهد شد»  
 عید نوروزشدا مبارک - ماه و سال و هفته و روزشدا مبارک  
 امیرالمؤمنین مولای قنبر - سوار بر مولود شده است وقتش  
 در کنارش (ایستاد است)  
 عید نوروزشدا مبارک - ماه و سال و هفته و روزشدا مبارک  
 هر سال زکری از این عید می‌کنند - تخم مرغ را به هفت رنگ،  
 رنگ می‌کنند .  
 اغیاه لباسهای نو دراز می‌کنند - قفله لباسهای کهنه را  
 سخته به فن می‌کنند .  
 «به امیر مختار رحمت و خود میفرستند»  
 در پشت بامها آتش می‌افروزند  
 با توپ و فشنگ سرور و شادمانی می‌کنند  
 «به امیر مختار رحمت و برود میفرستند»

# حاج میر احمد نجفی نجفانی



فرزند مرحوم شیخ محمدحسین نجفی زنجانی سال ۱۳۳۴ هجری قمری در دارالعلم نجف اشرف پا به عرصه وجود نهاد و از سن هفت سالگی در مدرسه مرتضوی ابراهیم در نجف اشرف مشغول تحصیل شد. از سن پنجولیت عتق مغربی به آموزش خط زیبا ماتت و پس از پایان دوره مدرسه ابتدائی به تحصیل علوم دینی از قبیل فقه، اصول صرف و نحو، ادبیات فارسی و عربی پرداخت و قدمش دیگر از اوقات خود را نیز صرف فراگرفتن منطق زیر نظر استادان فن و استتاج کتب دینی و متعجب نبود و در سن بیست و پنج سالگی رسماً مرزومه

خوشنویسان درآمد و به تدریس برای جانب از قبیل فقه، اصول، حدیث، روایت، خواندین، ادبیات فارسی و عربی و فضائل و مناقب آل محمد علیه السلام مشغول گردید. و نیز نزدیک به صد جلد کتاب برای جانب به خط زیبای خود نوشت و بالغ بر ۵۰۰ فقره کتبه سراج مقدسه ائمه معصومین علیه السلام و امامزاده‌ها و مساجد معظمه و بناهای متبرکه و درهای طلا و نقره و آرامگاهها را برشته تحریر در آورد. چند نمونه از خطوط این خوشنویس معروف برای ملاحظه خوانندگان در این شماره مجله به چاپ رسید.



# ایران در آئینه حجبسان

(۲)

کیکائوس جهانگیری

## رویتها

ناگهیر می‌بایست تا آخر قرن نوزدهم و نخستین سالهای قرن بعد حوصله کرد و انتظار کشید تا باستان‌شناسی در ایران بتواند به منابع مؤثر و مطلوب و همچنین به روشهای دقیق در کار بجهت شود. اما تاریخ نخستین تلاشها از آنچه ذکر شد بسیار قدیمتر است. در یستون که تقریباً سی کیلومتر از کرمانشاه فاصله دارد از سال ۱۸۳۵ میلادی به بعد کتیبه بزرگ سه زبانی که بالای حجاری داریوش تهیه شده است مورد تحقیق قرار گرفت. در آن هنگام یک مأمور انگلیسی بنام «ه. ت. راولینسون» که پیش از آن در هندوستان افسر ارتش بود با سمت مشاور نظامی به کرمانشاه فرستاده شد. او در عین حال هم به انجام دادن و تثبیت سیاسی خود می‌پرداخت و هم به مطالعات شرقی علف توجه می‌کرد. اینگونه تحقیقات رفته رفته بیشتر مورد توجه او قرار می‌گرفت و اوقات او را بخود مشغول می‌داشت. راولینسون در هندوستان فارسی، عربی و هندوستانی آموخته بود. دیدار یستون با حجاری داریوش که در آن یاجن را در جل و زنجیر نمایانند ساخت در او مؤثر افتاد و همین دلیل بلافاصله به کشف کتیبه سه زبانی فارسی باستان، آکدی و عیلامی همت گماشت.

کاری که راولینسون در یستون کرد (۳۹ - ۱۸۳۶) باید به عنوان اولین تحقیق جدی به معنای وسیع خود در ایران مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در سال ۱۸۳۹ جنگ بین بریتانیای کبیر و افغانستان درگیر شد. ارد اوکلند بانوسل به عملیات نظامی که پس از موسال با فاجعه خوبی خاتمه یافت افغانستان را اشغال کرد. راولینسون ناگزیر از مراجعت به هندوستان شد اما بعدها ترجیح داد که از خدمات سیاسی چشم پوشد تا بتواند اوقات خود را بیکره وقف شرق‌شناسی کند. بعد برینش میوزیم او را در مقام بازرسی کل تحقیقات باستان‌شناسی انگلستان به بین‌النهرین فرستاد. در فاصله بین سالهای ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۳ باز کار حفاری در ایران رونق بسیار داشت. مجدداً یک فرد انگلیسی دیگر بنام «سرویلیم لفتوس» در این کار ابراز شایستگی کرد. او که قبلاً عضو کمیسیون تعیین مرز بین ترکیه و ایران بود آن نواحی را خوبه می‌شناخت و بر اثر میبویلتی که به عهده داشت پیش از آن از جنوب بین‌النهرین بازدید کرده بود. او که سخت تحت تأثیر این نواحی باستانی قرار گرفته بود برای سه هفته به ورقه رفت. در سال ۱۸۵۱ لفتوس دست به حفاری در منطقه شوش زد و به کشف تعداد زیادی از اشیا، و مجسمه‌های کوچک توفیق یافت. اما تحقیق علمی در ایران در حقیقت از آن زمان آغاز شده که فرانسویان به سرزمین شوش عنایت کردند. در سال ۱۸۸۴ «مارسل دیولا فوا» دوبار برای تحقیق به این ناحیه سفر کرد. او

1 - Sir William Loftus.

2 - Marcel Dieulafoy. *Les Antiquités de Susse découvertes par la Mission Dieulafoy* (1884 - 1886), Paris 1913. Jeanne Dieulafoy. *A Susse. Journal des Fouilles*, Paris, 1888.

یکه و تنها، فقط با کمک همسرش، بر تپه‌ای که بعدها به تل آه‌آهانا معروف شد کار کرد و «کتیبه نقش تیرانداز» و «سرسوزی» را که دارای نقش گاوهای زانو زده است کشف کرد و با خود برد. این هر دو از شواهد برجسته هنر دوره هخامنشی است که فعلاً در موزه «لوور» نگاهداری می‌شود. این مختصر کفایت تا اهمیت نشت خوش را که ظاهراً نام فعلی آن یادآور نام قبلی پایتخت ساسانیان است، بر ما روشن کند. یک مهندس معین فرانسوی بنام «ژاک دومرگان» (۱۹۲۴ - ۱۸۵۷) که در این زمان مدیر کل باستان‌شناسی معربود پس از ماموریتی به ایران (۱۸۸۹) کوشید تا بتدریج با کمک فرانسه برای حفاری و مطالعه در این ناحیه که دارای آبنده درختانی بود جلب کند. سفیر فرانسه در طهران بنام «رنه دوپالوا» به دولت از ناصرالدین‌شاه فرمان تحصیل کرد که به موجب آن فرانسه برای مطالعات علمی باستان‌شناسی و حفاری در سرزمین ایران دارای حق الحما می‌باشد. ژاک دومرگان در سال ۱۸۹۷ در مقام ریاست نمایندگی علمی فرانسه به ایران آمد حالا دیگر او می‌توانست در این سمت به دلخواه خود در هر نقطه حفاری کند. این هیأت علمی فرانسوی که سرمایه عالی کافی در اختیار داشت و هر سال نیز مستمری حکمی از دولت متبوع خود می‌گرفت بدون فوت وقت دست به کار شد. «برای نخستین بار» که در این باستان‌شناسی فرانسوی از یونجه دولتی برخوردار می‌شد و آنهم تاسال ۱۹۳۹ بطور مرتب و سالانه آرا دریافت می‌کرد. اما هیأت‌های دیگر هیچگاه از کمک‌های قانونی، و به خصوص از کمک‌های مستمر برخوردار نشدند. بعدها حفاری در شوش در سال ۱۹۲۶ باز از سر گرفته شد که تا به امروز نیز ادامه دارد.

آری مرگان در رأس همکاران متعددی به تحقیقات علمی آغاز کرد. از آن جمله او از همکاران دانشمندان بسیاری نیز برخوردار بود که از آن شمارند: «و. شیل» که آسورشناس است، «و. ژیکه»، «گوتیه» و «لامبر» که همه باستان‌شناسند. از اینها گذشته مرگان یک مهندس معین جوان را بنام «رولان دومگن» استخدام کرد.

از این پس اشیا عتیقه به حد وفور کشف شد (اما متأسفانه باید نسبت به صحت روشهایی که در حفاری به کار برده می‌شد قدری ایراد تردید کرد). این را نیز باید مدیون مرگان بود که توانست بر مبنای قرارداد سال ۱۹۰۰ نفیس‌ترین مجموعه سفال شوش را برای موزه لوور تهیه کند. هیأت فرانسوی به مطالعه و حفاری در شوش اکتفا نکرد. از ۱۹۰۲ گوتیه و لامبر شروع به حفاری در تپه موسیان کردند که در شمال شوش قرار دارد. در سال ۱۹۰۹ در ری واقع در نزدیکی طهران و در سال ۱۹۱۳ نزدیک بندر بوشهر توسط «پزار» نیز حفاریهای دیگری انجام پذیرفت. این اقدامات متعدد همه منجر به انتشار اثر بزرگ نفیسی شد که به سی مجلد بالغ می‌گردد. عنوان این اثر تا بحال چندینبار عوض شده است. مقارن آغاز جنگ بین‌المللی اول

3 - A. Parrot, *Archéologie Mésopotamienne*, Paris 1946. Tome I, p. 171.

4 - V. Scheil. 5 - Jéquier. 6 - Gautier. 7 - Lanpre.

8 - Roland de Merveuem. 9 - Pézard.

۱۰ - در ابتدا میزده جلد از این اثر تحت عنوان ذیل نشر شد:

Mémoires de la Délégation en Perse.

عنوان جلد چهارم چنین بود:

Mémoires de la mission archéologique de Susiane.

Mission archéologique de Perse.

از جمله نام‌ها تا بیست و هشتم این اثر با این عناوین چاپ شد:

Mémoires de la mission archéologique de Perse, mission de Susiane.

سرانجام این مجلدات (بیست و هفتم تا سر و هشتم) با چنین نامی طبع شد:

Mémoires de la mission archéologique en Iran, mission de Susiane.

برای تحلیلی از مطالب مندرج در همه این مجلدات می‌توانید، با کتاب زیر رجوع کنید:

A. Parrot, *Archéologie Mésopotamienne*, tome I, p. 258 f. l.

حضاری دقیق مطابق با اسلوب صحیح علمی در ایران رواج نیافته است. بیان همه این اقدامات از جمله این مفاد بیرونی و ناگزیر در اینجا به ذکر مهم‌ترین ارقام و حفاریها اقدام می‌کنیم. در اینجا این مطلب را نیز باید یادآور شد که به سال ۱۹۲۸ «آندره گدار» که یک معمار فرانسوی بود از طرف دولت ایران مأمور تأسیس اداره باستان‌شناسی شد. شش او مأموریت یافت که از بناهای تاریخی فهرست بردارد و آن بناها را در صورت لزوم مرمت کند. آندره گدار در فاصله سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۶۰ به انجام مابین کارهای برجسته‌ای توفیق یافت که عبارت است از تأسیس اداره باستان‌شناسی، بنای موزه ایران باستان در طهران، بنای دانشگاه و غیره. او بسیاری از شاهکارهای معماری را بخصوص در استهبان مرمت کرد. گدار در سال ۱۹۳۱ اثری را منتشر ساخت که هنوز هم مبنای مطالعات مربوط به لرستان به‌شمار می‌رود<sup>۱۱</sup>. این کتاب درست زمانی منتشر شد که بازار مالامال از اشیاء مفرغی لرستان شده بود اما از آنجا که این اشیاء را با حفاری علمی بدست نیآورده بودند و غارتگران و حماران غیرمجاز آنها را عرضه بازار می‌کردند هیچ اصل و مبدأ آنها روشن نبود و یگانه تحقیقات علمی نمی‌خورد. وقتی در نظریات و مکتب نتیجه نتایج حفاری علمی مربوط به این مفرغها، و عبارت دیگر مفرغهای مرخ دم تازه در سال ۱۹۳۸ علمی و منتشر شد<sup>۱۲</sup> به ارزش واقعی این کتاب بی‌میسری. اولین حفاری علمی - به معنی واقعی آن کلمه - در ایران از سال ۱۹۳۱ در تپه گیان بدست «رومن گیرشمن» و «ژرژ کنتو» انجام شد. کنتو پس از چندین مرد، او موزه دار لوور و مؤلف یک کتاب مستی درباره باستان‌شناسی مشرق زمین بود<sup>۱۳</sup>. گیرشمن در سال ۱۹۳۰ یکار خود با هیأت علمی فرانسوی که در تلنگ حفاری می‌کرد آغاز کرد. یک سال بعد به حفاری در تپه گیان پرداخت. در سال ۱۹۳۳ کار خود را در تپه سبک شروع کرد<sup>۱۴</sup>. بر اثر اقداماتی که در گیان و سبک انجام گرفت ممکن شد که بطور نسبی برای بعضی از لایه‌های ماقبل تاریخ بر مذهب ایران تاریخ تعیین کنند. در این مردو حفاری روشهای قبلی یکی کنار گذاشته شد. در روشهای قدیم همواره سعی متوجه کشف اشیاء نفیسی بود و به تحقیقات لایه‌شناسی توجهی نمی‌شد. در سال ۱۹۳۶ گیرشمن در اولین هیأت علمی که به افغانستان رفت شرکت جست. در این کشور (از سال ۱۹۲۲) به کثورت فراخه اختیار نام داده شده بود که در حوضه منطقه بخارا بهر صورت دست به حفاری زد. گیرشمن در سال ۱۹۴۱ به ریاست هیأت علمی فرانسوی در افغانستان منصوب شد.

فرانسویان تنها گروهی نبودند که در ایران حفاری کردند. در ناحیه شمال، در مرز ترکستان یک فرد امریکائی بنام «ولسن» در تپه تپه دست به عملیات مقدماتی زد<sup>۱۵</sup>. کارهای او توجه دیگران را به غای آن ناحیه جلب کرد و همگان را متوجه ساخت که در آن ناحیه می‌توان دست به حفاری زد. گذشته از آن یک نفر آلمانی به نام «ارنت هرتسفلد» از سال ۱۹۲۸ بر تپه‌های درحوالی تخت جشمید به حفاری پرداخت. بعدها این تپه «تل باکون» نامیده شد. هرتسفلد در رأس هیأت علمی امریکائی که در آن ناحیه مشغول حفاری بود قرار گرفت. او که در همین حال

- 11 - André Godard, Bronzes du Laristan, *Asiatica*, Van Oest, Paris 1931.
- 12 - E. Schindl, The Second Holmes Expedition to Laristan, in *Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology* V. (1930).
- 13 - G. Contenau et R. Ghirshman, *Fouilles du Tépé Gyan près de Nishapur*, 1931 et 1932, Musée du Louvre, Département des Antiquités Orientales, série archéologique, tome III, Paris 1935.
- 14 - G. Contenau, *Manuel d'Archéologie Orientale depuis les Origines jusqu'à l'époque d'Alexandre*, Paris 1927 - 1947.
- 15 - R. Ghirshman, *Fouilles de Sialk, près de Kashan*, 1933, 1934, 1937, tome I et II, Paris 1939.
- 16 - F. Wulsin, Excavations at Tureng-Tépé, Suppl. to the *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology*, Vol. II No. 1 bis (mars 1932).

مشترک، کتیبه‌شناسی و باستان‌شناسی بود در سال ۱۹۲۸ فرانسوی مرد. از حفاریات تخت جشمید تعداد زیادی سفال گریل‌های نقش‌دار بدست آمد<sup>۱۶</sup>. در سال ۱۹۳۱ یک گروه امریکائی در تپه حصار نزدیک دامغان که در حدود شصت کیلومتری مشرق طهران و هفتاد و پنج کیلومتری جنوب دریای خزر قرار دارد کاوش کردند. در اقدامی که در سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ انجام شد منجر به نتایج درخشانی گردید. موقعیت دقیق این ناحیه که از سال ۱۸۸۰ برابر به دست آمدن سفال‌های نقش‌دار مورد توجه قرار داشت در سال ۱۹۲۵ توسط هرتسفلد تعیین گردید. شصت اینها را حفاری کرد و آثار گریل‌های این محل برای تحقیق در سراسر آن منطقه در محکم کلبندی است<sup>۱۷</sup>. ناحیه‌ای دیگر که به ناحیه فوق شایهت دارد در سال ۱۹۳۳ توسط یک گروه سوئدی مورد تحقیق قرار گرفت. کاوشهای ابتدائی برای کسب اطلاع در اثر به کار بردن یک روش بسیار دقیق علمی اطلاعات لایه‌شناسی ذیقیمت به دست داد<sup>۱۸</sup>. در فاصله سالهای ۱۹۳۳ و جنگ سوم جهانی بر میزان حفاریها افزوده شد. در سال ۱۹۳۲ تپه جشمیدی (توسط فرانسویان)، در سال ۱۹۳۴ چشمه علی (توسط امریکائیان)، در سال ۱۹۳۴ سرخ دم (توسط امریکائیان)، در سال ۱۹۳۶ جغاز نیل، در فاصله سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ تحت حشد . . . مورد کاوش قرار گرفت. پس از وقفه‌ای که در اثر جنگ ایجاد شده بود باز کار گاه‌ها کار خود را سر گرفتند. در سال ۱۹۴۶ دروش، پس از آن در حسلو و آنگا در آنریا بجان حفاری شد. در سال ۱۹۴۷ در سالگرد کتبینه زیویه به دست آمد. در ۱۹۴۹ باز در یازارگاد به کار پرداختند و در ۱۹۵۰ کاوش‌های مقدماتی در گورستان خورویون که در هشتاد کیلومتری غرب طهران است آغاز شد. دهقانان این ناحیه را با حفاری‌های غیرمجاز غارت کردند و در نتیجه بازار طهران مالامال از سفال‌های بدست آمده شد. در سال ۱۹۵۴ گروه حماران ایرانی جای خود را به یک هیأت بلژیکی داد و از این پس دیگر عموماً مابقی تاریخ ایران توجه شرق‌شناسان سراسر جهان را به خود جلب کرد. یک گروه ژاپنی در سال ۱۹۵۶ در تل باکون به کار پرداخت و در ۱۹۵۷ امریکائیها در حسلو دست به کار شدند. در سال ۱۹۶۰ یک گروه فرانسوی در تپه تپه دست سفر گردید، و این موضوع بود که از زمان مطالعات ولسن دیگر مورد حفاری قرار گرفته بود. در آنجا هنوز هم کار ادامه دارند<sup>۱۹</sup>. در سال ۱۹۶۱ ایرانیان در زودبار که شهر کوچکی است واقع در جنوب غربی دریای خزر در نواحی قدیمی حارلیک به حفاری پرداختند. انگلیسیها نیز برای خود در گوی تپه (۱۹۴۸)، با تپه تپه (۱۹۶۰) و یازارگاد (۱۹۶۱) کارهای داشتند و دارند. تمام این هیأت‌ها با اداره باستان‌شناسی ایران همکاری دارند. باید در نظر داشت که هر یک از این مطالعات که به حل مشکل معینی منجر می‌شود بدون اشتباه ساله و مشکل جدیدی را پیش روی محققان می‌گذارد. از آن گذشته پس از نظر انگلستان به این سلسله مطالعات و حفاریها نباید از نظر دور داشت که باستان‌شناسی در ایران در آغاز کار خویش است و هنوز آن موقع مناسب فرا رسیده است که بتوان از مطالعات انجام شده نتیجه کلی گرفت. نخستین حفاری‌هایی که با روش صحیح لایه‌شناسی توأم بود درسی سال پیش انجام گرفت و فراموش نباید کرد که سی سال وقت برای تحقق و مطالعه در سرزمینی بکر و دست‌نخورده مدت قابل ملاحظه‌ای نیست. تلاشهای بی‌سراجم، عدم دقت در کار و اشتباه تا سالها دراز اجتناب‌ناپذیر است.

۱۷ - A. Langsdorf and D. E. McCown, Tall-i Bakun A, Season of 1932, University of Chicago, *Oriental Institute Publications LIX* (1942).

۱۸ - تاج این مطالعات برابر زیر گرفته است:  
E. F. Schmidt, Excavations at Tépé Hissar - Daughan, Philadelphia 1937.

گزارش دیگری قبل از کتاب فوق جشمید با عنوان زیر:  
Tépé Hissar Excavations 1931 in *Museum Journal*, XXIII, 4, 1933.

19 - T. J. Arne, *Excavations at Shah Tépé*, Iran, Stockholm 1945.

20 - Jean Deshayes, Rapport préliminaire sur les deux premières campagnes de fouilles à Tureng - Tépé, in *Syria*, XL, 1963.

# اهمیت نقش موزه مادر اجتماع



محمدحسن سمسار  
موزه‌دار موزه هنرهای بومی

نقش موزه‌ها در اجتماع متمدن قرن بیستم، دارای دامنه‌های آنچنان وسیع و پراهمیت است که گفتگو پیرامون آن محتاج طرح و بسط بسیار می‌باشد.

محققین، مسلمین، هنرمندان و همه کسانی که به نحوی از انحاء با آموزش و پرورش سروکار دارند بخوبی باین نقش پرجا آشنا هستند و در اینجا فرصتی است تا توجه همه هموطنان عزیز را، با اهمیت نقش بزرگ و مؤثر موزه، بویژه در امر جمع آموزش و پرورش در بالا بردن سطح دانش و معلومات مردم جلب کنیم.

تا چندین قبل مفهومی که از شنیدن کلمه «موزه» در ذهن شنونده نقش می‌بست عبارت از تجسم محیطی آرام و ساکت بود، که در آن اشیاء رنگ باخته و کهنه قرون و اعصار گذشته را در کنار هم گرد آورده‌اند و از آنها نگاهداری و حفاظت می‌کنند.

اما مفهوم واقعی موزه جز این است.

درست است که حفاظت آثار باستانی جز وظایف موزه‌هاست، اما این تنها وظیفه آنها نیست بلکه امروزه موزه‌ها وظایف بسیار پراهمیت‌تر و سنگین‌تری را به عهده دارند.

شاید در قرون گذشته موزه صرفاً جنبه تفریحی و تجمیلی داشت، و گاهی نشانه شخص و ثروت پستارمی آمد و شاید بهین علت بود که غالباً سلاطین برای خود دست ایجاد موزه می‌زدند. آنجا آنکه در کشور عزیز خود ما اولین موزه‌ای که تشکیل گردید یعنی «موزه گلستان» دارای چنین نقشی بود. اما این وضع دیرینه ناپایید، چه انسان قرن بیستم بهمان نسبت که برای بهبود زندگی آینده تلاش و کوشش را آغاز کرده، نسبت با گاهی از چگونگی وضع امروز گذشته، و نندانی که پایه تمدن امروز است، اظهار علاقه و میل توجه نمود.

بشر کنجکار برای کشف مجهولات و اسرار گذشته‌گان عست به تلاش بزرگی زد، و این کوشش برای کشف اسرار قرون گذشته از دل خاک، پایایی تلاش برای درک مجهولات علمی در قضا و دل اقیانوسها ادامه یافت، و سرانجام عطش پابین‌ناپذیر بشر برای کشف اسرار گذشته‌گان سبب توسعه، گسترش و پریشدن موزه‌ها از آثار گرانبهای باستانی گردید.

همان‌نسبت که موزه‌ها از آثار باستانی بر شد، توجه و علاقه به‌شناسائی این آثار که کلید حل معماهای مورد علاقه انسان بودند افزایش یافت، زیرا این آثار شواهدی بودند که میتوانستند انسان را بکشف اسرار مورد علاقه خود راهنمون گرداند.

برودی کوشش خستگی و پایان‌ناپذیر برای کشف رموز آثار گذشته‌گان آغاز گردید، و علم باستان‌شناسی جای خود را در میان دیگر علوم جدید باز کرد، و ارزش و اعتبار فوق‌العاده یافت. توجه دانش‌پروهان سبب برانگیخته شدن حس کنجکاری دیگر طقات گردید. بطوریکه مردم عادی نیز میخواستند بدانند که اشیاء اسرار آمیزی که از دل خاکهای قرون بیرون کشیده شده‌اند چه هستند؟ همین کنجکاری سبب کنش مردم بچایب موزه‌ها گردید.



رأس : ساغر مفرقی - حسلو - اواخر قرن اول قبل از میلاد - موزه ایران باستان - جب : تنگ لقره یا قوش طلاکاری شده ساسانی - موزه ایران باستان

بیرامون تاریخ هنرملتی کاوش می نماید ، هر چه بنسناد ومدارک معتبر نیارند ، این اسناد ومدارک را از کجا میتوان بیست آورد ؟

آیا آنچه که بوسیله گذشتگان در کتابها نوشته شده است کافی است ؟

آیا این مدارک از هر گونه لغزش ، خطا ، فرض و زری و تعصب تهی است ؟

آیا میتوان صحیح و درستن آنها صددرصد اطمینان کرد ؟

آیا نویسنده به هنگام نوشتن رعایت امانت و صداقت را کرده است ؟

همه این سؤالات و سؤالات دیگر ، عواملی هستند که اگر برای آنها جواب قطعی و کامل نیابیم ، حاصل کار تحقیق و تنقید از خطا و اشتباه محض میماند .

پس ضرورت یافتن شواهدی که بتواند راجعای صادق محقق باشد در اینجا بدست احساس میشود .

چنین شواهدی را از کجا میتوان یافت ؟ در اینجا است که ذهن متوجه موزهها میگردد ، زیرا اشیاء موزهها اطمینان بخشترین اسناد تاریخی ، هر ملک در هر دوره از تاریخ میباشند . اگر

# اقْتُلُوا فَاَصْحَابَهُمْ فَاذْبَحُوا حِمْلَهُمَا

حدیثی نقلی باینستیرا شاهانه تیموری - موزه هنرهای تریسی

بفایده آوریم که تاریخ در زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هنرملتی چه نقش بزرگی بعهده دارد ، ارزش و اهمیت موزهها و اشیاء موجود در آنها بخوبی روشن میگردد .

موزه نگار ما تاریخ بخلاف گذشته تنها شامل شرح حال بزرگان و چگونگی وقوع سلسله حوادث نیست . تاریخ نیز مانند همه علوم مستخوش دیگر گونیهای عظیم شده . امروز تاریخی

مورد قبول مورخین و دانشمندان است که تمام شئون زندگی ملتها را در نظر گرفته ، مورد بحث قرار داده باشد و تنها مدارکی که نشان دهند جنبه های مختلف زندگی مردم باشد ، اشیاء و آثار موجود در موزههاست . این چگونگی سویی است که یک مورخ از مشاهده و مطالعه موزهها میبرد .

بزرگواران تاریخ هنر ، و تاریخ صنایع نیز ناچارند که برای بررسی سیر هنر و صنعت ، اشیاء و آثار موزهها را بدقت مورد بررسی و مطالعه قرار دهند . زیرا اسناد و مدارک قطعی سیر تحولات هنری را نیز تنها در موزهها میتوان جستجو کرد .

بر مقابل چنین افرادی ، پیرمادی که یک کارگر ساده سفالگر ، یا فلز کار ، و یا یک زرگر هنرمند از موزهها و اشیاء داخل آن میبرد کمتر از بزرگواران دانشمندی که ناامیدیم نیست .

این هنرمندان که شاید هرگز فرصت و امکان مطالعه کتب تاریخ هنر را ندارند ، تا از سیر تکاملی و تحولات صنایع و هنرها مطلع گردند ، اما آنان سهولت میتوانند با بازدید از موزهها سیر تحولات هنر مورد علاقه و حرفه خود را بدور چشم ببینند ، و از نزدیک مطالعه و مشاهده کنند ، و از آنها الهام بگیرند و کار خود را رونق و جلای بیشتر دهند .



جبه فلندای رنگ و روغنی دوره نئوی - موزهی هنرهای نرنسی

در مورد جنبه آموزشی موزه‌ها باید گفت که امروزه، موزه‌ها بصورت آزمایشگاهی برای دانشگاهها و مدارس درآمده است.

دانشجویانی که در علوم باستانشناسی، هنرهای زیبا، مردم‌شناسی و مانند آن بتمحیل اشتغال دارند، آنچه را در کتابهای درسی میخوانند میتوانند از نزدیک عموماً موزه‌های مربوطه مشاهده و مطالعه کنند. این امر منحصراً ریشه‌هایی که تا مبر دیم نیست، بلکه، موزه‌هایی مانند موزه تاریخ طبیعی، جانورشناسی، گیاه‌شناسی، صنایع، جنایی و بسیاری موزه‌های دیگر نیز در رشته خود، همین نقش مهم را بعهده دارند. بدون شناسایی دقیق این موزه‌ها، تحصیل در رشته‌های مربوطه بطور نظری، ناقص و بدون فایده است. آنچه‌آنکه دانش علم شیعی بدون داشتن اطلاعات و تجربیات آزمایشگاهی، فاقد نتیجه عملی است.

شاید نیازی بتوضیح بیشتر درباره اهمیت نقش موزه‌ها در امر آموزش و پرورش نباشد. بنابراین میتوان نظری به نقش موزه‌ها در بررسی اوضاع اجتماعی مردم روزگار گذشته افکند. بررسی گذشته‌ها تنها از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز نبودن یاری گرفتن از موزه‌ها میسر نیست. موزه‌ها نشان‌دهنده سیر ترقی یا تنزل اجتماعات گذشته از نظر اقتصادی، هنری، اجتماعی هستند. ترقی هنر و صنایع در یک دوره نماینده توانایی، رفاه، و آسایش اجتماعی، و برعکس تنزل و رکود نشانه ضعف و ناتوانی جامعه است. این بررسی ترقی یا تنزل را، تنها یکمک اشیا موجود در موزه‌ها میتوان انجام داد.

نتیجه‌گیری از این بررسی‌ها میتواند درس عبرتی برای جوامع بشری در حال و آینده باشد. چه درک علل ترقی یا سقوط اجتماع در ادوار گذشته را همنمای خوبی برای بهبود وضعیت، اقدامات بشری است.

ایجاد پیوند بین گذشته و حال هر ملی از نشانه‌های دیگر موزه‌هاست. این پیوستگی با گذشته در پیش‌برد و ترقی اجتماع امروز و کار و کوشش بیشتر و بهتر و ایجاد دلگرمی و غرور بویژه در نسل جوان بسیار مؤثر است. بطور مثال باید گفت وقتی یک ایرانی پاک سرشت در مقابل لوح‌های زرین و سیمین بنای کاخ آپادانای تخت‌جمشید می‌ایستد، و کنج‌گاوانه حروف نبی این الواح نظرمی‌افکند و بخوانند ترجمه فارسی این الواح می‌پردازد:

«منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر و پستاسب خاتمشی، داریوش شاه گوید: این است کشوری که من دارم، از سکنان آنسوی سفد گرفته، تا کوشا (چینه) و از هند گرفته تا سارد، که آنرا هورامزدا بمن بخشیده. هورامزدا مرا و خاندانم را پاسی دارد». خود را آنسوی دیوار فلطور قره‌های گذشته احساس میکند، و میتواند در خاطر خود روزگار با عظمت سلطنت داریوش بزرگ را مجسم نماید. عظمتی که چشم روزگار مانند



راست: پایه سفیدان مارغری نقره‌کوب ساخت خراسان - ساجویی - نوعی ایرانیان چپ: لوح درون در بوش بزرگ، کشف شده در کوه تالار آدانی تخت‌جمشید - نوعی ایرانیان

آراکستر دیده است.

ایجاد چنین سنگی و پیوندی بین گذشته‌های بسیار دور، و امروز جز از طریق موزه‌ها ممکن نیست. از طرفی حفظ پیوندها و پیوستگی‌های هنری نیز از عواملی است که تنها از طریق موزه‌ها امکان‌پذیر است.

هنرمندان و هنرشناسان بخوبی میتوانند سیر تکامل و تحولات دست‌های هنری پاک ملت را که شاید در آنها حفظ گردیده، و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، در موزه‌ها مطالعه و دنبال کنند. و نیز هنرمندان قادرند از این پیوندها الهام گرفته و در حفظ آنها کوشا باشند.

نقش الهام‌بخش موزه‌ها را در هر عصری نمیتوان نادیده گرفت. هنرمندان هر دوره با مشاهده شاهکارهای هنری قرون گذشته، میتوانند از آنها الهام گرفته و در حفظ اسامات هنرهای ملی خود سهمی داشته باشند.

سراجم بگفتگوی بی‌امون حفاظت‌اشیاء می‌پردازیم که یکی از وظایف سنگین، و از نقش‌های اساسی موزه‌هاست.

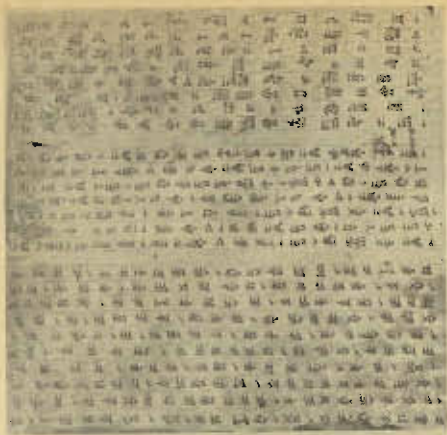
جای گفتگو نیست که آثار تمدن و اشیا تاریخی هر ملتی، سبب افتخار و وسند زنده ملیت آن مردم است. و آنچه بر همه مردم تعلق دارد، حتی باید گفت که این اشیا و آثار تاریخی بی‌جامعه بشریت متعلق است. بنابراین باید بهترین نحو نگاهداری شوند، و در معرض دید همگان قرار گیرد. و بهترین محل برای نگاهداری و نمایش آنها، موزه‌هاست.

موضوع دیگر خوب حفظ کردن این اشیا است که خود محتاج به مهارت و تخصص است، و هر فرد عادی نمیتواند اشیا و آثار باستانی را که بعضی از آنها قرنها در دل خاک سالم مانده بخوبی حفظ کرده، و برای همیشه سالم نگاهدارند.

بعلاوه این گونه اشیا، در خارج از محیط موزه‌ها همیشه در معرض حوادث گوناگون قرار میگیرند، و چون از دست رفتن هر یک از آنها خسارتی است که به هیچ قیمت قابل جبران نیست، بنابراین باید گفت که، موزه‌ها امن‌ترین و مطمئن‌ترین محلها برای حفاظت آثار ملی هر قوم و ملتی است.

اینجاست که مردم باید این مراکز تعلیم و تربیت و این آرشین ملیت و تمدن خود را تا سرحد امکان حمایت کنند، و بریاری آنها بکوشند.

گفتگو بی‌امون نقش و وظایف موزه‌ها را در همین‌جا پایان میدهم. امید است که این مختصر توانسته باشد تا حدی اهمیت نقش موزه‌ها را در پیشرفت اجتماع روشن کند.



# رامبران آسیا

جلال ستاری  
اقتباس از نوشته ورنر هوفمن



تیسور برتخت شاهی - عوزی برلن - این مینیاتور لوط درجهایی چند با مینیاتوری که «شونبران» منقوش است اختلاقی دارد

در باره انتخاب موضوع نقاشی پارهای تصور میکنند که نقاش باید دریند الگو برداشتن از انسان، حیوان، منظره یا طبیعت بیجان باشد و حال آنکه از زمان زیوتو هنر نقاشی شیوهای دیگری برگزیده است و از آن هنگام هنرمندان «هنر» را بجای «طبیعت» موضوع نقاشی قرار داده اند و مسابست از کارهای هنری متقدمان تقلید کرده اند چنانکه میکال آنژ از نقاشی های دیواری مازاچیو و رونس از آدم و حوای تیسین Titien الگو برداشته اند.

در میان نقاشانی که در شیوه الگو برداری و تقلید استاد بوده اند رامبران نقاش معروف هلندی مقامی شایسته دارد. رامبران به تنها کارهای هنرمندانی چون رافائل و کاراچو را مورد تقلید قرار داده بلکه از تقلید کار هنرمندان مشرق زمین نیز خفاخل نامانده است. رامبران که به گره آوری آثار هنری علاقه بسیار داشت از طریق مینیاتورهای شرقی که خود آنها را فراهم آورده بود و نیز بسبب زندگی در بندر آمستردام که در آن زمان مرکز مبادله کالاهای غربی و شرقی بشمار می آمد، با هنر مشرق زمین آشنائی یافته بود. و بعدتیست که یاندن از دوستداران رامبران بنام فیلیپ آژول در بازگشت از سفری که برای ساختن تصویر شاه ایران به مشرق زمین کرده بود رامبران را بیشتر با شیوهای نقاشی شرقی و خاصه مینیاتورهای هند و ایرانی آشنا کرده باشد. بهر حال آثار این آشنائی در برخی از آثار رامبران متجلی است و ما در زیر به پارهای از آنها اشاره می کنیم:

۱ - تیسور برتخت شاهی - این طرح که از روی یک مینیاتور هند و ایرانی ساخته شده است اکنون در کاخ شون برون لکهرداری میشوید و مینیاتور هند و ایرانی املی که مورد تقلید قرار گرفته است اکنون در اختیار موزه Völkerkunde برلین است. تصویر لیمور میبایست نظر رامبران را سخت بخود جلب کرده باشد زیرا یادآور مجالسی از تورات است که رامبران به تصویر و جسم آنها بسیار علاقمند بود. مدنی دراز



تیسور برتخت شاهی - اثر رامبران - عوزی نور بارس

چنین میبنداشند که رامبران از مینیاتورهای شرقی الگو برمی داشت تا بتواند تجارب و آموخته های خود را از این رهگذر در ترسیم طرحها و پرده های مربوط بتورات بکار بندد. اما این فرض فقط در آغاز کار استان راست میآید و رامبران که نخست به قصد ملکتوتی کردن هنر خویش از شرق مایه میگرفت و کده رفته پیام نهایی شرق را شنید و بعد آن هنر نقاشی را از قالب تنگ مظاهر کلاسیک آزاد ساخت. از اینرو هریک از نیست و سه طرحی که رامبران از روی مینیاتورهای شرقی تهیه کرده نشان میدهد است که نقاش بر سیر نظرات زمان خود گرفته است.



چپ : شاه جهان - اثر رامسران - عودی کوور پاریس



راست : شاه جهان - سناتور هند و ایرانی - عودی تون پراگ

شدن مینیاتور از آن تقلید کرده است .  
این طرح روشنگر این نکته نیز هست که رامسران در صورت

میاندی نوشته شده است . بنابراین مینیاتور ساز ایرانی معاصر  
نقاش هلندی بوده و رامسران تقریباً ۳۰ سال پس از پرداخته



چپ : برده شرفی سوار رامسران . مینیاتور هند و ایرانی - عودی پراگ



راست : برده شرفی سوار رامسران . اثر رامسران - عودی برنابیا ، لندن

و ایرانی گرفته است . نکته جالب توجه آنکه بر روی مینیاتور  
چهار شیخ تاریخ ۱۳۰۷ هجری (برابر با سال ۱۶۲۸ - ۱۶۲۷

۲ - طرح چهار شیخ مسلمان - این طرح یکی از دقیق ترین  
تقلیدهایی است که هنرمند بزرگ هلندی از مینیاتورهای هند



# یکی از آثار دوران تیموری



راست: چهار شیخ سلسله - سیاهور هند و ایرانی - کاخ «توتوران»  
چپ: چهار شیخ سلسله - از رامیان - بوزق برتالیا - لندن

تطابق نموده با ذوق و سلیقه خود بدان وفادار میماند و برعکس هنگامیکه میان نمونه و ذوق و سلیقه او ملازمت و توافق نیست از آن دور میبود. از همین رو رامیان درختی را که در پشت پیرمرغان بوده درختان یافته و بر طرح خود نگاه داشته است و برعکس آنچه را که در قسمت پائین وزیرهای پیرمرغان وجود داشته از نظر اقتضا خسته است. طرح اصلی این نایلو در کاخ شون برون و طرح تقلیدی رامیان در دربارش میوزیوم (لندن) نگهداری میشود.

کاسه‌ای بسیار زیبا در سال ۱۳۴۴ به موزه ایران باستان رسیده است که از نواحی خراسان بدست آمده و متعلق بدوران تیموری بوده است. محل ساخت آنرا بطور دقیق نمیتوان تعیین کرد زیرا کاسه مزبور از طریق حفاری علمی کشف نگردیده است ولی به لحاظ آنکه از نظر نقش و لعاب، طرح و نوع سفال با ظروف مکتوفه در سلطان آباد که بطرف عراقی معروفند قابل مقایسه میباشد شاید بتوان آنرا بزرعه گروه ظروف عراقی محسوب داشت.

این کاسه با ۲۷ سانتیمتر قطر دهانه و ۱۴ سانتیمتر ارتفاع از انواع ظروف است که ساخت آنها از اواخر قرن هشتم هجری در ایران مخصوصاً در سلطان آباد و ساوه معمول بوده است. نوع سفالی که برای تهیه آن بکاررفته نسبتاً ضخیم و با اینکه از حیث نقش و لعاب بسیار جالب است ولی اگر بخواهیم آنرا با ظروف هم زمان خود مقایسه کنیم جزو گروه درجه اول قرار نمیکرد. معذرت آنکه نمیتواند با ظروف سفالین دوران سلجوقی برای باشد.

هرمند برای آرایش این کاسه فقط از سه رنگ سفید، لاجوردی و سیاه استفاده کرده است. رنگ سفید جهت زمینه و رنگ لاجوردی و سیاه برای ایجاد نقوش و طرح بکار برده شده است. تمایق مورنگ لاجوردی و سفید که در دوران صفویه توسعه یافت تأثیری است از هنر چین، چه در قرن نهم هجری دامنه ارتباط بازرگانی ایران و چین که از قرون پیش برقرار بود گسترش یافت. بازرگانی برای فروش ظروف ساخت چین در ایران بوجود آمد و خریدار زیاد هم پیدا کرد و در نتیجه هنرمندان برای اینکه ظروف ساخت ایران نیز بتواند با ظروف چینی رقابت نماید به تقلید آن ظروف پرداختند.



کاسه سفالی سفالین - دوران تیموری - خراسان



نمای بیرونی کاسه و کتیبه آن

طرحهایی که بر روی این کاسه پیش منظره همانهایی هستند که برای تزئین ظروف مینایی و طلائی متعلق به قرن ششم و هفتم هجری (پوشته - تصویر انسان - طرح های تزئینی شایع ویرگ) بکار برده میشده است.

لبه خارجی طرف با کلمه (الدولة) که بطور مکرر آمده بخط نسخ پرنگ سفید روی زمینه لاجوردی بطور برجسته آرایش گردیده است. لغاتی نظیر الدولة مانند العمة - السلامة - العادة و غیره که حکمی دعای خیر در حقه صاحب ظرف است بر روی پارهای ظروف دیگر که قدمت آنها پیش از کاسه مورد بحث میباشد مشاهده میگردد. از اینرو میتوان گفت که روش هنرستان کوزه گر خصوصاً در دوران اسلام حمله این بوده که پارهای و تقییب هر ماقبل خود بفرمایند. این حقیقت درباره طرف نامبرده نیز صادق است.

در باطن طرف خارجی لبه کاسه که ذکر آن گذشت یک ردیف نقوش شایع ویرگ قرار دارد. سابقاً عموماً ویرنگ سیاه ویرگها پرنگ لاجوردی است و بطور موازی کنار هم نقش گردیده است.

نقش اصلی کاسه عبارت است از تصویر دو انسان که میان پارهای در کف کاسه شستند. در اطراف آنها بوتهایسی از گلهای تزئینی پیشو میخورند. سازنده این نظر بر خواسته است منظره باغی را مجسم سازد. نظیر این نقوش بر روی ظروف زرین قام و مینایی قرن ششم و هفتم هجری نیز دیده میشوند.

در حالت چشم و ابرو و نظرنگاه حیوان را هم دیده هیچ نوع بیان مشخص مشهود نمیشد. هر چند با طرح فقط چند خط ساده صورت آنها را مجسم نموده و شیوه طراحی بسیار ساده است در صورتیکه بر روی پارهای از ظروف مینایی متعلق به قرن هفتم هجری هنرمندان روش خاصی برای تجسم صورتها انتخاب مینمودند چنانکه استادان شیبه سال اروان را کمانی نشان مینامدند و چپنها عموماً با ویرگ و کتیبه که دنباله آن بگوش متصل میشده است. هر دو تصویر کاسه کلاه بر سر دارند و دور سرشان را هاله ای احاطه نموده است. از نظر آرایش مو و شکل کلاه و لباس آنها چنین بر می آید که این تصاویر از افراد سرشناس و رجال دوران تیموری بوده و یا تصاویری که بر روی مینیاتورهای همین زمان مشاهده میگردد قابل مقایسه میباشد.

# آشنایی با مجموعه آثار هنری: مجموعه شخصیات ارشد سر فروغی

نوام آرایش در ایران باستان

علی اکبر علایی

جمع آوری مجموعه های آثار هنری و اشیا باستانی که از سرگرمی های مفید گروهی بشمار از مردمان با ذوق دینار غرب است، در کشور ما چنانکه باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است و بهمن سب هر ساله و شاید هر روزه نفایس گرانیهای از خزان آثار هنری و باستانی کشور ما از راه های گوناگون و بیپایان بسیار ناچیز دینار ما را نرگ میگوید و آموزه ها و مجموعه های شخصی سرزمین های اروپا و آمریکا سر در میآورد.

مجله هنر و مردم برای ترویج گردآوری مجموعه های هنری و باستانی در بین همبندان و نیز بمنظور آشنایی هموطنان با ذوقی که هم خود را باین امر مصروف داشته اند بر آن شد که صفحاتی را بشرح مجموعه های مجموعه داران ایرانی اختصاص دهد و این کار با معرفی پارهای از اشیا، سفالی و مفرغی و شیهای موجود در مجموعه شخصی آقای مهندس فروغی آغاز گردید. در مجموعه آقای مهندس فروغی که یکی از غنی ترین مجموعه های شخصی کشور ماست آثار و اشیا مختلفی وجود دارد و ما در این شماره ضمن اشاره بتاریخچه آرایش شمارا با برخی از وسایل آرایش که در این مجموعه وجود دارد آشنا خواهیم ساخت.

تاریخچه آرایش در ایران و جهان - از مطالعه آثار هنری گذشتگان بدین نتیجه میرسیم که بشر از دیر باز بر بیانی توجه داشته است و آدمی از آغاز بحکم طبیعت بحسن و جمال تمایل داشته و همین جهت در کتافش مبارزه با عوامل نامساعد طبیعت از هر فرصتی برای آراستن خانه و کاشانه خود استفاده کرده است و گرفتاریهای روزمره او را از توجه بکار آرایش و بیاریش باز داشته است و آرایش که مظهر ذوق و ابتکار انسانی است و از عشق بر بیانی سرچشمه میگردد همواره کاری بجا و پسندیده محسوب میشده است.

قدیمی ترین مدارکی که ما را از وجود آمدن هنر آرایش بمعنای واقعی خود مطلع میکند عطر دانه های مفرغی فینیقیها و سومرنها است. این عطرها برای نگهداری مایعات معطر و گاهی برای حفظ بعضی داروهای آبیگونه ساخته شده است. بعداً استعمال روغنهای معطر از سومر یا فرار بنامه و دره صیر

نیز رواج یافته است و استعمال سرخاب و غازه و بکار بردن روغنهای معطر در دربار قراچه مصر رواج زیادی داشته است. در این دوره زنان دره نیل بهتر آرایش توجه زیادی معطوف داشته اند. علاوه بر اینها در مقام مصریان شاهانی از عاج و استخوانهای مختلف نیز دست آمده است. در ایران در بین سلسله های قبل از زمان استعمال گدن بند و حلقه انگشتری پوست بند رواج داشته است. مصر ف سرخاب و غازه در دوره مادها و معروف سرمه در دوره هخامنشیان در ایران معمول گشته است. شاهان باستانی مخصوصاً خسرو پرویز توجه زیادی بهتر آرایش داشته اند

۱ - غار لاسکوت - موردی که مربوط به کهن ترین دوران های عصر حجر یعنی عهد برنگورین میباشد موزه ای از آثار هنری قابل تاریخ بنام میوه. این آثار هنری که با غنچه و ستن مردم آن عصر سنگی کامل باره شان میباشد که بر آن عصر نیز در احساس زیبایی و تصور و حجب آن مقامی داشته است.

ودراین دوره استعمال سبها و گیاهان رنگی مخصوصاً حنا در ایران معمول گشته است. در یونان قدیم زنان کلاههای زیبا و نوک تیزی بر سر میگذاشته اند و توجه زیادی به هنر آرایش داشته اند. در قرن پانزدهم زیبایی گیسوان خلائی و بلند لوکس بود و بافت شده است که زنان گیسوان خود را رنگ کرده و گیسوهای عاریتی بکار برند. در دورانهای گذشته اکثراً پیشرفت کار آرایش از دربارهای سلاطین و امراء شروع گشته است. و عیارات دیگر بیشتر رونق این کار در دربارها و منازل اشرافی بوده است.

بدینتر است رونق کار این گروه در میان طبقات عادی مردم در ابتداء بیشتر در مجالس جشن و عروسی بوده است. در آثارهای فولکلوریک و نمایشاتی که در عروسیها ترتیب میدادند نقش مؤثر گریمورها را زنان مشاطه بهمده داشته اند. بی محاسبت نیست یاد آور شویم که عمل آرایش در دورانهای گذشته منحصر بزنان نبوده است و مردان نیز آرایش می نموده اند. استعمال عطرها و خالکوبی و آویختن وسائل زینتی از گردن و استعمال دستبندهای مفرغی و استخوانی در میان مردان نیز رایج بوده است.

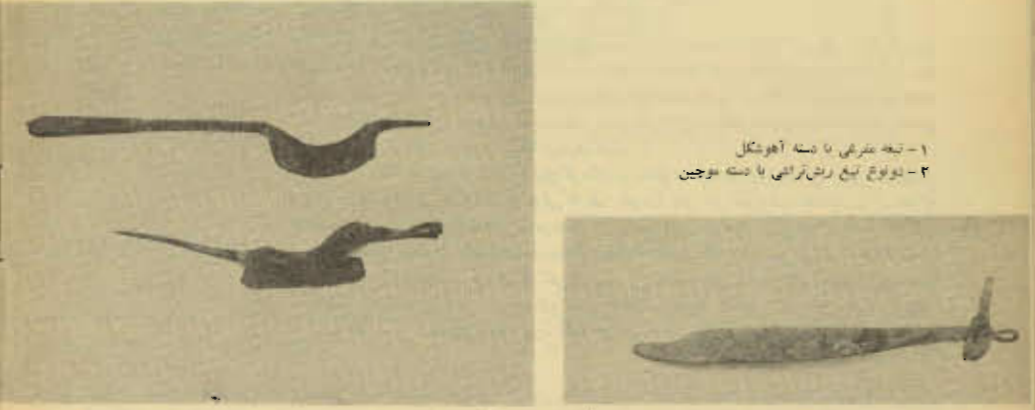
مسات میشود. و اینک بشرح بعضی از این وسائل که متعلق به مجموعه آقای مهرداد حسن فروغی است می پردازیم :

۱ - جمعه زبور آلات - جمعه زبور آلات شیشه ای با چست مفرغی

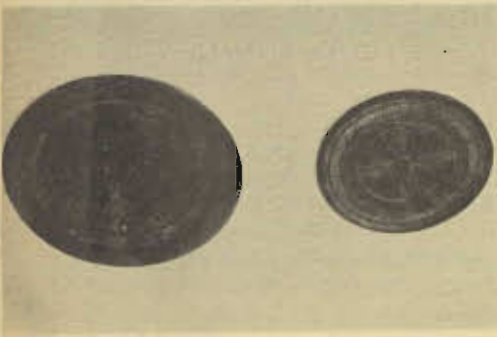
۲ - تیغه ریش تراشی - جنس این تیغه از مفرغ میباشد. این تیغه بی دسته است ولی در مغل دسته آن کله آهویی بعنوان دستگیره تعبیه گردانند. این تیغه در حفاری لرستان کشف شده است و مربوط بقرن هفتم قبل از میلاد میباشد (ش ۱).

۳ - دو نوع تیغه ریش تراشی از جنس مفرغ که دسته

۱ - تیغه مفرغی با دسته آهوشکل  
۲ - دو نوع تیغه ریش تراشی با دسته بوجین



۴ - بوجین مفرغی  
۵ - خانه های مفرغی  
۶ - آئینه های صیقلی شده



در میان گروهها و طبقات مختلف درباری مشاطه گران و آرایشگران چیز بدست چون رامشگران و خنیاگران مقامی رایج داشته اند. و زنان آرایشگر از آئینه های مخصوص خانوهای و ملکه ها بودند بعدها دامنه عمل این گروه که کارشان ارتقاء زیبایی یا تجمل و تمین داشته از چهارچوب دربار و طبقات اشرافی خارج گشته وارد سایر طبقات اجتماع گردیده است.

وسائل و آلات آرایشگری در ایران باستان : تاکنون در اثر حفاریهایی که در اغلب نقاط ایران بعمل آمده است باستانشناسان وسائل مختلف آرایشگری بر خورده کرده اند. اغلب این وسائل را آئینه ها و خانه ها و بوجین ها و سرمه دانه ها و خطردانه ها و گاهی تیغهای ریش تراشی تشکیل میدهند. جنس اغلب این وسائل از مفرغ بوده و گاهی اشیاء سنگی و استخوانی نیز در یستان

# عکاسی

مادی



راست: نگاتیف کترات چپ: نگاتیف فایده کترات

کلرور که حساسیت آن کم میباشد استفاده میگردد. این کاغذها را کاغذ چاپ نیز میگویند و حتماً در موقع خرید بان باید توجه داشت.

وسایلی که برای چاپ مورد استفاده قرار میگیرند عبارت از جسمی است محفوظ که در قسمت بالای آن درجه‌های یاز و بسته میشود. زیرا این درجه بسته‌بندی است و در داخل جعبه یک لامپ قرمز و یک لامپ سفید وجود دارد. لامپ قرمز همیشه روشن است تا بتوان در تاریکی فیلم را روی شیشه قرارداد و کاغذ حساس عکاسی را بدون نور دیدن روی آن گذاشت. پس از بستن درجه لامپ سفید بدست لازم روشن میشود تا نور از نگاتیف گذشته بر روی کاغذ تأثیر کند و تصویر بوجود آید. انواع این دستگاهها از کوچک تا بزرگ و از ساده تا مجهزترین آن به وسایل خود کار تعیین فیلم و مدت نور و غیره وجود دارد.

## انتخاب کاغذ

انتخاب کاغذ از لحاظ رنگ، ضخامت، براق و مات بودن مسئله‌ای است کاملاً مشخص که بیش از هر چیزی به ذوق و سلیقه بستگی دارد. اما از این مرحله که بگذریم نسبت به نوع مصرف آن، یعنی چاپ یا اگر اندیس‌مان، یکی از انواع سه‌گانه‌ی مربوط را باید انتخاب کنیم و سپس نسبت به وضع نگاتیف (دارای کترات زیاد - متعادل - کم) نمره‌ی مناسب را مورد استفاده قرار دهیم تا تصویری صحیح و خوب از آن بوجود آید. بدین معنی که وقتی نگاتیفی از لحاظ کترات ضعیف بوده باشد (فیلمی که همه‌جا آن خاکستری و یا سیاه است) روی کاغذ نمره ۳ یا هارد نتیجه خوب میدهد زیرا اختلاف میان نواحی روشن و تیره بیشتر میگردد. برعکس در مورد نگاتیفی که دارای کترات شدیدی بوده و اختلاف سایه - روشن‌های آن زیاد است کاغذ نمره یک یا سافت به نتیجه‌ی خوب میرسد و از این اختلاف کاسته میشود. بالاخره نگاتیفی که روشن‌ها و تیره‌های آن متعادل است یا کاغذ نمره دو و یا نرمال تصویری متعادل و هم‌ارزش خود به وجود می‌آورد.

با توجه به این توضیحات نتیجه میگیریم که در تصویر نهایی، یعنی عکسی که نتیجه‌ی تمام زحمات ماست، باید تعادل و هم‌آهنگی میان نواحی روشن و تیره وجود داشته باشد. تصویر مثبت

از یک نگاتیف در دو نوع میتوان پزینف (تصویر مثبت یا عکس) بدست آورد:

۱ - درست بانداری نگاتیف: با قراردادن فیلم مستقیماً بر روی کاغذ حساس عکاسی. این عمل را چاپ کنتاکت مینامند.

۲ - بزرگ از نگاتیف: با استفاده از دستگاهی بنام

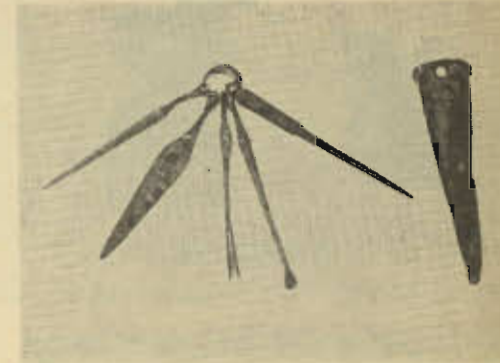
آگر اندیسور. اینکار اگر اندیس‌مان نامیده میشود. چاپ

طوری‌که قبلاً اشاره شد برای چاپ عکس از کاغذهای



۶ - سر به دانه‌های مفرغی یا میل سر به

۷ - پنج نوع وسیله آرایش یا میل مفرغی



۷

هر دو منتهی بیک موجین میباشد و در آن‌های هر کدام یک بیشتر یا ناخن پاک‌کن وجود دارد. در عین حال میتوان تصور کرد که وسائل مذکور از وسائل جراحی باشد. این دو تیغه نیز از لرستان بدست آمده است. موجین‌ها هنوز حالت فنری خود را نگهداشته است (ش ۲).

۴ - موجین مفرغی - این موجین نیز متعلق به لرستان است و مربوط به ۲۷۰۰ سال قبل از میلاد میباشد (ش ۳).

۵ - شانه - دو شاخه مفرغی یا دسته‌اسب سوار و دسته دو گاو نشسته بطرح سرسوسن‌های تخت جمشید. این دو شاخه نیز از لرستان بدست آمده است و مربوط به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد میباشد (ش ۴).

۶ - آئینه - دو آئینه مستطیلی که هنوز جلا و شفافیت خود را نافته‌اند از مای حفظ کرده است. پشت این آئینه‌ها با سنگال هندسی و متقارن برجسته زینت یافته است. این دو آئینه در حفاری‌هایی که در ناحیه املش شده‌است بدست آمده است (ش ۵).

۷ - سرمدان - دو نوع سرمدان مفرغی که در بعضی از این سرمدان‌ها هنوز گرد سر به باقیست (ش ۶).

۸ - عجیب‌ترین قسمت از انواع آلات آرایشگری که مربوط باین مجموعه میباشد پنج شیشی مفرغی است که مجموعاً از یک حلقه آویزان و یک‌جا با هم برداخل جلدی مفرغی که بشکل غلاف است قرار میگیرند و برترتیب از چپ بر راست عبارتند از:

۱ - تیغه‌ی نازکی از مفرغ برای گرفتن ناخن ۲ - سوهان مفرغی جهت ناخن ۳ - موجین مفرغی ۴ - گوش پاک‌کن مفرغی

۵ - میله‌ای که جهت جلا دادن دندان یکبار میرفته است (ش ۷).



دستگاه چاپ تکس

طرز کار با دستگاه چاپ

- ۱- تمام وسایل چاپ از قبیل کاغذ و نظائر آن روی میز تمیز و خشکی فرار میگردند و لوازم ظهور از قبیل ملتانکاها و غیره در روی میز میگری. پائین از آن در صورت امکان نزدیک شراب، عملیات بتزیب زیر انجام میپذیرد.
- ۲- پس از اطمینان از تمیزی شیشهی دستگاه چاپ و فیلم آسرا طوری روی شیشه قرار میدهند که طرف مات رو بالا باشد.
- ۳- بر حسب کثرت است لگاتیف، کاغذ مناسب انتخاب و آنرا در قسمتی که کمی بزرگتر از فیلم باشد میبرند.
- ۴- کاغذ را بطوریکه طرف حساس آن رو به فیلم باشد روی آن میگذارند و در دستگاه را میبندند.
- ۵- چراغ سفید دستگاه را روشن میکنند.
- ۶- سه ثانیه نور داده، چراغ را خاموش میکنند - آن کاغذ را برداشته پاک قلیقه دیگر میگذارند و باز ده ثانیه نور میدهند - بار سوم کاغذ را عوض کرده این دفعه بیست ثانیه

روش نگهداری

- ۱- هر سه کاغذ را با هم در محلول ظهور میاندازند و مدت معین هر سه را ظاهر میکنند (معمولا یک دقیقه و نیم).
- ۲- عملیات شستو در حمام توقف و ثبوت را به مدت خیلی کوتاه انجام میدهند.
- ۳- هر سه عکس را در نور مورد وقت قرار میدهند و هر یک از آنها را که نتیجهی خوب داده باشد برای نگاتیفهای مشابه بکار میبرند. شاید هیچیک از این سه وضع مطلوب و نااشسته باشد ولی بحال میتواند ما را برای نور صحیح راهنمایی کند.
- ۴- پس از افاقت نور صحیح و چاپ تمام عکسها هر چندین ظهور و ثبوت آنها به مدت چهار پنج دقیقه در آب جاری کاملاً شستند میدهند. در تمام این مدت لازم است آنها را زبرورو کرد، در غیر این صورت همه بیهوده بگر خواهد چسبید و آب از میان آنها خواهد گذشت و بالاخره شستویی بوقوع نخواهد پیوست.
- ۵- در این مرحله عکسها خشک میشوند و سپس نوبت بریدن دور آنها میرسد و بدین ترتیب اعمال تهیهی یک عکس پایان میدهد.

محلول ظهور کاغذ

گرم	گرم	گرم
۲	۲۵	۳
۶	۳۳	۴۵
۳۳	نیم	۱۲
نیم		۶۷/۵۰
		۲

فرمول ۱۱۵ آگفا

متنول

سولیت دوسود آهیدر

هیدروکیتون

گرمات دوسود آهیدر

برمور دیوطلای

برای یک لیتر آب

مدت ظهور در این محلول درجهی سانتیگراد

چهل و پنج ثانیه است.

فرمول ۷۳ کدک

متنول

سولیت دوسود آهیدر

هیدروکیتون

گرمات دوسود آهیدر

برمور دیوطلای

برای یک لیتر آب

در موقع استعمال ۳۰۰ سانتی متر مکعب از این محلول با ۶۰۰ سانتی متر مکعب آب باید مخلوط گردند. پس از مدتی

کار کردن که رنگ محلول شروع بر زمین کرده آنرا دور ریخته دوباره از محلول اصلی بهمان نسبت که گفته شد (یک بر دو) با آب مخلوط میکنند. مدت ظهور در این محلول نیز ۴۵ ثانیه است

پس از پایان ظهور، کاغذ را از طنشک بیرون آورده بیدقیقه در محلول زیر:

آب ۵۰۰ سانتی متر مکعب

جوهر سرکه ۱۰

شستو داده و پس در محلول زیر ثابت میکنند:

هیوسولیت دوسود ۲۵۰ گرم

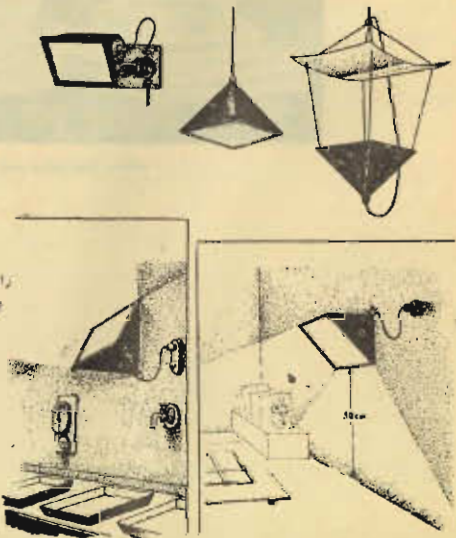
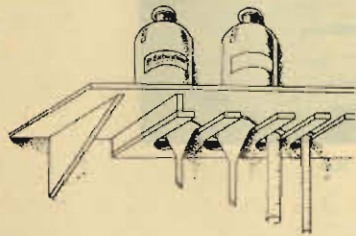
پرسولیت دوسود ۲۵

آب ۱۰۰۰ سانتی متر مکعب

مدت ثبوت برای تمام کاغذها ده دقیقه است.

بالاخره نوبت شستویی نهایی میرسد که ۲۵ دقیقه در آب جاری است و در صورت نبودن آب جاری هر پنج دقیقه یکبار آب را عوض کرده بدقت یکساعت باید آنها را شست. در تمام مدت شستو لازم مرتب کاغذها را زبرورو کرد.

تکات قابل توجه - همچنانکه در ظهور فیلم، پیش از خاموش کردن چراغ سفید تاریخانه تمام وسائل و لوازم باید



راست: انواع مختلف فانوسهای تاریخانه چپ: طبله چوبی برای گذاشتن ششهای محلولها و آویزان کردن لیموها و یسانهها

مرتب و آماده باشد هنگام چاپ عکس نیز لازم است قبلاً همه چیز حاضر کرد از قبیل چاپ کردن محلولها - تنظیم حرارت آنها - پاک کردن و گردگیری تکاتیفها (در صورت لزوم) - پاک کردن شیشههای دستگاه چاپ و غیره . . .

وقتی اعمال مزبور انجام گرفت چراغ سفید خاموش و چراغ نارنجی یا قرمز - سبز روشن میشود .

برای اینکه برایشین کاغذها از قوطی راحتتر بوده خمد و خراش بر آنها نیفتد و از شکستن گوشهها پندار جلوگیری شود بهتر است قبلاً بمقدار لازم و بانسازهای مورد لزوم بریده و در جعبه های بزرگتر گذاشت .

روی حساس کاغذهای براق و نیمعماط بعضی از برقی که میزند قابل تشخیص است . در مورد کاغذهای مات که تقریباً هر دو روی آن مانند هم میباشد در صورت پیش آمدن اشکال

باید کاغذی را روی میز گذاشت و بخمیدگی آن دقت کرد . روی داخل خمیدگی سطح حساس است .

کاغذهای حساس عکاسی را نیز مانند فیلمها باید از یک گوشه گرفت و بعد امکان از تماس دست با سطح آنها خودداری کرد . مخصوصاً موقعیکه دستها بمحلولها آلوده است . حتی اگر پس از آلودگی دستها را شسته و خشک کرده باشند . زیرا پوست بدن با ملتی اثر رطوبت و مواد شیمیایی را در خود نگه میدارد .

نگهداری کاغذهای عکاسی - کاغذهای عکاسی در صورتیکه احتیاطهای لازم بعمل آید مدت نسبتاً زیادی قابل نگهداری است . بهتر است آنها را در ستمبندی اصلی در محلی خشک و خنک ، دور از نور مستقیم آفتاب و مواد شیمیایی و گازها نگهداشت و در مقدار لازم روزانه در تاریکخانه ذخیره نکرد .



شستک ظهور کاغذ در ابعاد و اشیاء مختلفه

ابوالفضل بن علی علیه السلام

اِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ رَبِّكَ كَلِمَاتٌ يَنْزِلُ بِهَا السَّلَامُ وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا يَشَاءُ وَيُخْتَارُ وَمَا يَشَاءُ يَفْعَلُ

۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰